

خَلِيلٌ

وَرَبُّ الْقُرْآنِ تَسْتَدِيلُ

تجوييد قرآن كريم



تحقيق، تبع ونگارش:  
برهان الدین "سعیدی"

# تَجْوِيدُ قُرآنٍ كَرِيمٍ

Tajwíd Qurań Karím

تحقيق، تتبّع و نگارش:  
برهان الدين «سعیدی»

Burhanoddin "Saidi"

## مشخصات رساله:

- نام : تَجْوِيد قرآن کریم
- تحقیق، تتبیع و نگارش: برهان الدین « سعیدی »
- مهتمم: محترم محمد عمر « انوری »
- طرح ، ترتیب و تنظیم پشت جلد : محترم مجیب الرحمن « خطیبی »
- ناشر: ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی
- چاپ اول : « حوت ۱۳۹۹ هجری شمسی » مطابق « فبروری ۲۰۲۱ میلادی »
- چاپ دوم : « حمل ۱۴۰۰ هجری شمسی » مطابق « اپریل ۲۰۲۱ میلادی »
- محل چاپ: کابل - افغانستان

یادداشت: استفاده از مطالب این رساله ؛ با تذکر کامل نام و مأخذ ، آزاد است.

[b-saidi@gmx.de](mailto:b-saidi@gmx.de)

# **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

آموزش و تلاوت قرآن عظیم الشأن و خاصتاً تعقل، تفکر،  
تدبر، عمل حسن و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس،  
تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی ، سعادت و  
رستگاری دنیا و آخرت در متقيان میگردد.

برهان الدین «سعیدی»

## تَجْوِيدٌ چیست؟

علم تَجْوِيدٍ یعنی « فن ترتیل »؛ در لغت بمعنی « تحسین ، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن » است

و در اصطلاح علمیست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست اداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تأمل و با آهسته گی » میباشد.

# Gewidmet an meinen Vater

**In Namen Gottes, das Allerbarmers, des  
Allbarmherzigen.**

Diese Abhandlung "Tajwíd Qura'n Karím", ist ein Regelwerk für die korrekte Aussprache der Buchstaben mit all ihren Eigenschaften und die Anwendung der verschiedenen Rezitationen. Wenn Sie den Koran rezitieren, bedeutet dies, jedem Buchstaben des Korans seine Rechte und Eigenschaften zuzuweisen und die Regeln zu beachten, die für diese Buchstaben in verschiedenen Situationen gelten. Wir tun dies, indem wir die Merkmale jedes Buchstabens beachten, die manchmal bei ihnen vorhanden sind und zu anderen Zeiten nicht.

Dieses Buch "Tajwíd Qura'n Karím" Widme ich der reinen Seele meines verstorbenen Vaters

**Maulana Dr. Mohammad Said "Said Afghani"** der Lehrer, Professor, Forscher, Schriftsteller, Jurist und Kämpfer für den Frieden und die Freiheit war. Er forderte die Menschen zur Gewaltlosigkeit, Güte und Glück auf und schrieb 37 Bücher und mehr als 2000 Titel über Frieden, Freiheit und Demokratie, sowie literarische, soziale und politische Themen. Dr. Said Afghani ist am 25. Februar 1985, im Alter von 63 Jahren, in Kabul Afghanistan gestorben.

Möge der stetig schenkende und Barmherzige subhana wa ta alla meinen Vater Dr. Said Afghani, mit seiner Barmherzigkeit überschütten und ihm den schönsten Platz im Paradies (Fridaus) geben.

**Amen, der Allmächtige  
Burhanoddin "Saidi"  
b-saidi@gmx.de**

## اهداء

رساله تجويد قرآن كريم؛ را بمناسبت سی و ششمین سالگرد وفات  
پدر بزرگوارم

مرحوم مولانا دوكتور محمد سعيد «سعید افغانی»  
مدرس، استاد، محقق، نويسنده، حقوق دان و مبارز راه صلح و آرامش،  
عدم تشدد و خير و سعادت بشرىت؛ اهداء مينامي.

مولوى سعيد افغانی بعد از فراغت از مدرسه عالي دارالعلوم عربى کابل ، به  
صفت استاد در همان مدرسه مقرر شد و متعاقباً به صفت مدير و مدرس مدرسه  
نجم المدارس ولايت ننگرهار موظف گردید .

مولوى سعيد افغانی در سال « ۱۳۳۹ » هجري شمسی ، بعد از گذشت ده سال  
مديریت و مدرسى در مدرسه نجم المدارس ؛ به صفت معلم تفسیر لیسه عالي  
حبیبه شهرکابل تبدیل شد و بعداً جهت تحصیلات عالي به پوهنتون مشهور  
اسلامی جهان « جامعه الازهر شریف » کشور عربی مصر اعزام شد که در  
سال « ۱۳۴۷ هـ ش » دوكتورای خويش را موفقانه بدست آورد و به وطن  
باز گشت.

مولانا سعيد افغانی در جمع خدمات ارزشمند دینی ، اجتماعی و فرهنگی خويش؛  
بيشتر از « سی و هفت » جلد كتاب و « دوهزار عنوان » مقاله و مضمون را به  
زبانهاي: « پشتو، دری و عربی » در بخش فلسفه ، تصوف و اجتماعيات نوشته  
و به جامعه تقديم کرده است.

مولانا سعيد افغانی بتاريخ « هفت حوت سال ۱۳۶۳ هـ ش » مطابق « ۲۶  
فبروری سال ۱۹۸۵ م » به عمر شصت و سه « ۶۳ » سالگی، داعیه اجل را  
لبیک گفت و بعالم جاودانی پیوست.

جنازه مولانا سعيد افغانی بتاريخ « هشت فبروری ۱۳۶۳ هجری شمسی » با  
اشتراك صدھا تن « علما ، روحانيون، دانشمندان، بزرگان حکومت، مخلصین،  
شاگردان ، دوستان و اقارب » بعد از اداء نماز جنازه در مسجد جامع پل خشتي  
شهرکابل، در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

از بارگاه الله سبحانه و تعالى استدعا دارم تا با لطف و مرحمت خويش،  
برای ایشان رحمت بی پایان توام با جنت فردوس عنایت فرمایند.

آمين يا رب العالمين  
برهان الدين « سعیدی »

## فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمه مؤلف	
۲	تقریظ: محترم استاد پوهاند دوکتور اسرار الحی «منیت» رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار.	«۳ - ۲»
۳	تقریظ: محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد «فاطمی»؛ استاد شرعیات پوهنتون ننگرهار.	«۴ - ۳»
۴	سپاربنت لیک: پوهانوال داکتر محمد طاهر «عایت» رئیس اسبق پوهنتون کابل.	«۵ - ۴»
۵	تقریظ: محترم استاد غلام ربانی «ادیب»؛ استاد پوهنتون تابش.	«۶ - ۵»
۶	تقریظ: استاد قاری نصرت الله «صاحبی».	«۷ - ۶»
۷	فصل اول: - تجوید چیست? - ترتیل چیست?	«۸ - ۷»
۸	فصل دوم: - الفبای زبان عربی. - حروف شمسی و قمری.	«۱۱ - ۱۳»
۹	فصل سوم: - مخارج حروف. - تفصیل باب مخرج حروف.	«۱۴ - ۱۹»
۱۰	فصل چهارم: - دندانها.	«۲۰ - ۲۱»
۱۱	فصل پنجم: - صدای کوتاه و صدای کشیده. - حرکات یا صدای کوتاه «فتحه، کسره و ضمه». - صدای کشیده «حروف مدی» «آ - او - آی».	«۲۲ - ۲۵»
۱۲	فصل ششم: - علامت «مد» و انواع «مد». - مد در حروف مقطعه «مقطعات».	«۲۶ - ۳۱»

شماره	عنوان	صفحه
۱۳	فصل هفتم: ..... - قوانین «الف وصل» و «همزة وصل» در چهار حروف ناخوانا «والی».	« ۳۶ - ۳۲ »
۱۴	فصل هشتم: ..... - حروف حلقی.	« ۳۷ »
۱۵	فصل نهم: ..... - توضیح در مورد حروف حلقی.	« ۳۹ - ۳۸ »
۱۶	فصل دهم: ..... - حروف یرمیون.	« ۴۰ »
۱۷	فصل یازدهم: ..... - وقف «توقف».	« ۴۶ - ۴۱ »
۱۸	فصل دوازدهم: ..... - علامت ساکن «سکون».	« ۴۷ »
۱۹	فصل سیزدهم: ..... - توضیح در مورد تشدید.	« ۴۹ - ۴۸ »
۲۰	فصل چهاردهم: ..... - احکام «نون ساکن و تنوین».	« ۵۳ - ۵۰ »
۲۱	فصل پانزدهم: ..... - قاعدة اظهار.	« ۵۴ »
۲۲	فصل شانزدهم: ..... - قاعدة ادغام.	« ۵۷ - ۵۵ »
۲۳	فصل هفدهم: ..... - توضیح در رابطه به قاعدة ادغام.	« ۵۹ - ۵۸ »

صفحه	عنوان	شماره
« ۶۱ - ۶۰ »	.....	فصل هژده هم: - قاعدة اخفاء.
« ۶۴ - ۶۲ »	.....	فصل نزدهم: - احکام حرف « م » ساکن و مشدد. - غنّه . - ادغام شفوی. - اخفاء شفوی . - اظهار شفوی .
« ۶۷ - ۶۵ »	.....	فصل بیستم: - غنّه - اشکال غنّه
« ۶۸ »	.....	فصل بیست و یکم : - قاعدة نون قطñی
« ۷۲ - ۶۹ »	.....	فصل بیست و دوم: - احکام حرف « راء ». - تفحیم « پر خواندن ». - ترقیق « نازک خواندن ». - توضیح در رابطه به احکام حرف « راء ».
« ۷۳ »	.....	فصل بیست و سوم: - احکام حرف - ل « لام » در لفظ جلاله الله .
« ۷۶ - ۷۴ »	.....	فصل بیست و چهارم: ..... معلومات عمومی و تعریفات: « استعلاء - استعفای - تفحیم - ترقیق - تکریر - ترسیل - تبیین - تحسین - توپیر - ترعید - ترقیق - تعجیل - تهمیز - تنفس - تعلیق - تنبیین - تطویل - تعضیع - حروف تهجی - رکزه - رعایت حق - رخوت - شدت - صفير - وتبه - قصر - لحن - لحن جلی - لحن خفی - مستحق حروف - همه - همس ». .
« ۷۸ - ۷۷ »	.....	منابع و مأخذ های عمدہ



## مقدمه مؤلف

علم تجويد يعني «فن ترتيل»؛ درلغت بمعنى «تحسين، نيك ساختن و يا نيكوگرداندين» است و در اصطلاح علميست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث ميکند و هدف آن صحیح و درست اداء کردن هر حرف از مخرج بارعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتيل «با دقت، با تأمل و با آهسته گي» مبياشد.

چون آموزش و تلاوت قرآن عظیم الشان و خاصتاً تعقل، تفکر، تدبیر و عمل حسن و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس، تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی، سعادت و رستگاری دنیا و آخرت در متقیان میگردد.

بناً الله سبحانه و تعالى را شکر گزارم که با لطف و مرحمت خویش ، برایم صحت ، طول عمر و توفیق عنایت فرمودند تا باخاطر آموزش قرآن کریم و علم تجوید؛ چندین جلد کتب «تجوید قران کریم» رامطالعه نمایم و همچنان دروس انترنیتی «آموزش روخانی قران کریم » را از استادان و بزرگان علم تجوید فرا گیرم .

قابل تذکر است که: تابستان سال « ۲۰۱۵ میلادی» به ملاقات برادر بزرگوارم داکتر مصباح الدین «سعیدی» رفتم. موصوف بر علاوه اينکه يك داکتر متخصص و مجرب امراض داخله است؛ در رابطه به « کتاب الله ، احادیث و غيره علوم دینی » فهم و دانش فرزانه دارد.

ایشان لطف نمودند پیرامون بعضی موضوعات علوم دینی و علم تجوید، برایم توضیحات عالمانه ارائه فرمودند و همچنان بنابر تشویق شان و استناد با حدیث عبدالله بن عمر «رضی الله عنہما» که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید:

«بِلَّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَحَدَّثُوا عَنِّي» : «از سوی من پیام دین را به دیگران ابلاغ و نقل کنید ، حتی اگر يك آیه از قرآن کریم باشد ».

با اخلاصمندی و خلوص نیت ؛ خاص برای رضامندی الله سبحانه و تعالی ، نیت کردم تا بالای یادداشتھایم ، کار مجدد و دوامدار را آغاز نمایم . که اینک ثمره آن در قلب يك رساله کوچک بنام « تجوید قران کریم » تحقیق ، تتبع و نگارش یافته است.

با عرض ادب و احترام ؛ از تمام استادان محترم علم تجوید و علمای معظم ، خواهشمندم تا لطف نموده با بزرگواری خویش من را که در این علم ؛ نو سفرم و از جانب هم دانش فقیردارم، مورد عفو و بخشش قرار دهند و همچنان از حضور مبارک شان صمیمانه تقاضا مینمایم تا مهربانی فرمایند کمبودی و نقایص این رساله را با نظریات سازنده و عالمانه خویش برایم ارسال نمایند ، تا در چاپ بعدی مدنظر گرفته شود.

باید خاطر نشان سازم که از مساعدتها و رهنمایی های علمای معظم ، استادان محترم و بزرگواران و دوستان عزیز هریک:

محترم استاد پوهاند داکتر طاهر « عنایت » رئیس سابق پوهنتون کابل، محترم استاد پوهاند دوکتور اسرارالحی « نیت » رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار، برادر بزرگوارم محترم داکتر صلاح الدین « سعیدی »، محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمی » استاد پوهنخی شرعیات پوهنتون ننگرهار، محترم استاد غلام ربانی « ادیب » استاد پوهنتون تابش، محترم داکتر مصباح الدین « سعیدی »، محترم استاد نعمت الله جلیلی « کامه وال »، محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی »، محترم الحاج انجیر رفیع الدین « سعیدی »، محترم معراج الدین « شمس »، محترم محمد عمر « انوری »، محترم الحاج عبدالحنان « نوس »، محترمه ذکیه لامیه « سعیدی »، محترمه محجوبه « احمدی »، محترم احمد « سعیدی »، محترمه فرشته « حسینی » و محترم یما « سعیدی » سپاس و قدردانی مینمایم .

همچنان از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم تا با لطف و محبت خویش برای ایشان اجر جزیل توانم با حسنات و خیرو برکت دارین ، عنایت فرمایند.

يا رب العالمين !

تو میدانی که نیت و اراده من آموزش و رسانیدن پیام بخاطر اگاهی عامه است !  
پس يا الله ! با لطف و محبت خویش؛ صداقت، ایمانداری، محبت، اخلاص، عدل و انصاف را خاصه ام بگرдан.

يا الله سبحانه و تعالى !

تو میدانی که جهالت و ندانی عیب بزرگ است.  
پس يا رب ! از تو استدعا دارم تا دلم را از تیرگیهای جهل و جفا صاف و با نور علمت زنده و درخشان ساز.

يا ذات مقدس !

تو میدانی که گمراهی بلای خطر ناکی است.  
پس يا رحمان ! با خلوص نیت از درگاه مقدس التماس دارم تا مرا به صراط المستقیم که راه صالحین، انعام شدگان ، سعادت و فلاح بشریت است، هدایت و رهنمائی فرما.

امین يارب العالمين

برهان الدين « سعیدی »

## تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي اصطفى من عباده حملة كتابه ، واثنى عليهم من فوق سماواته ، القائل في  
كتابه :

إِنَّ الَّذِينَ يَتَّلُّونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ  
تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (سورة فاطر آية ٢٩)

والصلاه والسلام على الحبيب المصطفى الذي كان خير معلم للناس كافه ، و وضع و سام  
الشرف على صدر كل من شغل بالقرآن تعلما و تعليما . اما بعد :

د محترم برهان الدين «سعیدی» صیب رساله «تجوید قرآن کریم» ترعنوان لاندی  
لينکه می ولوستله ، د قرآن کریم زده کریالانو او لوستونکیو لپاره یوه مفیده او گتوره  
رساله ده ، مهمو موضوعاتو ته په کی بیان شوي ده، چې گرافونو او د موضوع اروند  
تصویرنو یې ليکني ته ځانګري بنکلا ور په برخه کړي ده .

زه د ليکوال داهه له ديني علومو سره بى ساري منه بولم، او د لازياتو علمي خپرونو،  
ليکنو او ديني خدمتونو سپارښته ورته کوم .

هيله ده ، چې په دنيا او آخرت کې به یې له اجر او ثواب څخه برخمن شي .

درنښت

پوهاند دوکتور اسرار الحی «منیت»

د ننګرها پوهنتون شرعیاتو پوهنځی رئيس

## تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد و على الله و صحبه اجمعين  
اما بعد :

کومه ليکنه چې محترم برهان الدين «سعيدي» صيب؛ د «تجويد قرآن کريم» عنوان لاندي کري، ذکر شوي ليکنه ما د پېل څخه تر پایه ولوستله زه د نوموري آثر په اړه خپل نظر په لاندي ٻول ځرګندوم:

۱- محترم برهان الدين «سعيدي» صيب؛ پڅله دغه رساله کي د تجويد علم هغه اړین آحكام ځای په ځای کري دي چې هر مسلمان لپاره ضرور دي چې د قرآنکريم تلاوت کي نوموري احكام مراعات کري.

۲- محترم سعیدی صيب؛ خپله دغه قیمتی علمی رساله په پیره ساده او عام فهمه دری ژبه ليکلې چې هر لوستونکي ورڅخه په پیره آسانه استفاده کولای شي، همدارنګه د موضوعاتو د لازیاتی روښانیا په منظوريې پیر جالب او ساده جدولونه او شکلونه جوړکري دي چې په پیره آسانه هر لوستونکي ورڅخه لویه علمی گته او چټولای شي.

۳- قدرمن سعیدی صيب؛ په ليکنه کي په پیری علمی امانتداری د تجويد علم د معتمدو مراجعو او مآخذونو څخه له هیواد نه بهر کي د درسى قیمتی دیني علمی آثر ليکنه د دی ځرګندوي کويی چې محترم سعیدی صيب؛ دین، هیواد او هیوادوالو سره بي دریغه مینه لري.

په پای کي محترم برهان الدين «سعيدي» صيب؛ ته د دی علمی بریا مبارکي وايم او د الله عزوجل څخه ورته د اوږده عمر او خوش ژوند هیله لرم.

پوهاند داکتر سیداحمد «فاطمی»

د ننګرها پوهنتون، د شرعیاتو پوهنځی استاد

۱۳۹۹-۹ - ننګرها

## سپاربنت لیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سره لدی چي په دیني علومو او په خانگري توګه د تجويد په علم کې کوم خانگرای مهارت نه لرم؛ خودیني جذبي، محبت، او د محترم ورور سعیدي صib غوبنتني و هڅولم چي د نوموري د دی ستري کړني قدردانی وکړم.

د قرآن کريم سمه لوستنه د هر مسلمان دند ه ده، او دا چاره یوازي له علماءو پوري نه ده خانگري شوی، فکر کوم همدي اصل ته په ګتو سره محترم سعیدي صib هم له قرآن کريم او قرآنی علومو سره د محبت په اساس دا لیکنه تر سره کړي ده.

زه د نوموري دا لیکنه یو مثبت او ګټور ګام بولم او هیله کوم چي هیواد وال به تري ګټه پورته کري، دا چي محترم سعیدي صib او سمهال د جرمني هیواد استوګن دی له نوموري طمعه لرم چي جرمني او نورو ژبوته به یې هم وژباري؛ تر څو بير خلک تري استفاده وکړي او نوموري یې د ثواب مستحق شي.

په پاي کي له نوموري غوبنتنه کوم چي په دیني علومو کي لا نور پر مختک وکړي او خپلی علمي او مادي مرستي د اصلی تاتوبی له وګرو او علمي مؤسسونه سپموي، د لازيات پر مختک په هیله!

پوهنواں داکتر محمد طاهر « عنایت »

د کابل او د ننګرهار پوهنتون پخوانۍ رئيس

د دسمبر میاشت، د ۲۰۲۰ میلادی کال

## تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند جان آفرین - حکیم و سخن بر زبان آفرین

خداوند ﷺ انسان را اشرف مخلوقات آفرید ، با علم و هنر ، نطق و بیان در گلستان زیبای تجوید آراسته ساخت اعجاز قرآن را به اصوات دلنشیں حفاظ مزین ساخته ، قلوب انس و جن ، ملک و همه گوش فرا دهنده گان کلام او را معطوف ، متحیر و گرویده ی خود ساخت .

خواندن قرآن کریم را به اسلوب تجوید از خلط شدن معانی به یک دیگر محفوظ نگهداشت تا امت از گمراهی و غلط فهمی در امان بمانند .

جهان سپاس از محترم برهان الدین «سعیدی» که موضوع زیاد مهمی را که به نخستین تربیه کودکان و خانواده ها و همه مردم ارتباط میگیرد ، انتخاب نموده است بخصوص انتخاب تجوید در حقیقت خدمتگذاری به اساس دین است البته عقیده سالم ، تربیه نیک فامیلی ، برداشت سالم از دین انسان را وادر میسازد تا به چنین خدمات عام المنفعه ، صدقه جاریه و عمل جاودانه دست بکار شود .

البته من به پاس خدمت سعیدی صاحب این بیت را هدیه مینمایم ؛ خداوند ﷺ قلم اش را در خدمت جامعه نگهدارد .

خجسته توئی نور قرآن رنگینت کرد  
وقارداد و سطح جهان سنگینت کرد  
غفلتی زخود رفته بیدارت کرد  
این بس است اگاهی بر دینت کرد  
«ادیب»

من از استادان و شاگردان مدارس دینی و مکاتب میخواهم این کتاب پژوه محتوا را به دیده ی قدرنگریسته و درجمله کتاب های درسی شامل نموده ، مورد استفاده قرار دهنـد.

استاد غلام ربانی «ادیب»

مشاور حقوقی وزارت احیاء و انکشاف دهات  
و استاد در پوهنتون تابش  
۲۴ نوامبر ۲۰۲۰ - کابل

## تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، حمدًا يوافى نعمه و يكافي مزیده، والصلة و السلام على المبعوث رحمة للعالمين سيدنا محمد و على آل الله و صحبه أجمعين ، أما بعد:

الله متعال قرآن کريم را منحيث يگانه برنامه و قانون زندگی بشر فرستاد تا برمبنای آن امورات حیات و زندگی شان را سامان دهد و در سایه‌ای آن به سعادت دارین نایل آیند و با خاطر تبیین « لفظی و معنوی » آن پیامبر « صلی الله علیه وسلم » و به تبع او دانشمندان ریانی و آگاه را موظف گردانید، و از همان آغاز نزول مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.

در امتداد تاریخ علوم اسلامی ما شاهد تدوین علومی ویژه‌ای قرآنی هستیم که در راستای تفسیر، تفہیم و تبیین کتاب الله تدوین و ایجاد شده اند، از آن میان یکی هم علم تجوید بوده که عهددار تصحیح تلاوت و درست خواندن قرآن کريم می باشد.

بنابر رعایت قواعد و ضوابط این علم است که می توانیم قرآن کريم را درست چنان که نازل شده « به زیان عربی مبین » تلاوت کنیم؛ چه حسن تلاوت حسن معنا را در بر دارد، از همین روست که تلاوت درست و صحیح قرآن فرض بوده و مطلوب می باشد؛ تا از ایجاد خطاهای لفظی که منجر به خطاهای معنوی می گردد جلوگیری شود.

خواننده ای گرامی!

صفحاتی که پیش روی شماست نیز در راستای همین هدف عالی « تصحیح تلاوت » از جانب محترم برهان الدین « سعیدی » فراهم شده است ، که در بردارنده‌ای مهمترین قواعدی علم تجوید بوده که رعایت آن برای کلیه مومنان به ویژه قرآن خوانان لازم و ضروری می میباشد.

محترم برهان الدین « سعیدی » موضوعات کتاب را عام فهم و در قالب ساده ترین عبارات درخور فهم مبتدی « نوآموز » جمع آوری ، ترتیب و نوشته کرده است.

الله متعال این تلاش میمون و مبارک شان را در راستای خدمت کتاب خدا « ج » بپذیرد و نفع اش را عام گرداند.

قاری نصرت الله « صاحبی »  
محصل پوهنخی شرعیات ، پوهنتون کابل

۹ - ۹ - ۱۳۹۹ هجري شمسی - کابل



## فصل اول

### تجوید چیست؟

علم تجوید یعنی «فن ترتیل»؛ در لغت بمعنی «تحسین، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن» است و در اصطلاح علمیست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست اداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل «با دقت، با تأمل و با آهسته گی» میباشد.

- علم تجوید: علمیست که دارای ظوابط، قواعد و دستورالعمل خاصی بوده و بخاطر تحسین و نیکو کردن، تکمیل کردن و صحیح خواندن قرآن کریم؛ از آن استفاده میشود.

باید تذکرداد که : رعایت کردن علم تجوید؛ باعث میگردد تا قرآن عظیم الشان را بشکل درست همانگونه که از طرف الله سبحانه وتعالی ، بر پیامبر بزرگوار اسلام محمد «صلی الله علیه وآلہ وسلم » نازل شده است، میتوان تلاوت کرد.

- موضوع علم تجوید: حروف و کلمات قرآن عظیم الشان، است.

- غرض علم تجوید: تصحیح حروف و نگهداری زبان از خطأ در اداء و تلفظ ، قرآن مجید است.

- حکم علم تجوید: عمل کردن به قواعد تجوید « خواندن قرآن کریم طبق قواعد تجوید » بر هر مسلمان فرض عین است .

- اهمیت علم تجوید: قرآن عظیم الشان شامل لفظ و معنی میباشد و پیامبر بزرگوار اسلام « صلی الله علیه وآلہ وسلم » همانطور که معنای قرآن کریم را به صحابه کرام اموختاند ، لفظ و طریقه آن را نیز اموختاند ، پس لازم است تا قرآن مجید را طبق تعییمات پیامبر « صلی الله علیه وآلہ وسلم » اموخت و آن را تلاوت کرد.

همچنان باید اضافه کرد که: اولین کسی که علم تجوید را تدوین ، تصنیف و تنصیف کرده : شیخ ابو مزاحم موسی بن عبیدالله بن یحیی بن خاقانی بغدادی مقری میباشد که در سال « 325 هجری قمری » چشم از جهان بست.

تجوید به دو بخش «نظری و عملی» تقسیم شده است:

۱- تجوید نظری: عبارت از مجموعه قواعد و ضوابطی است که برای صحیح خواندن حروف و کلمات قرآن کریم ، تنظیم شده است. بطورمثال : « مخارج حروف ، صفات حروف ، تفخیم ، ادغام ، مدّ و قصر و غیره ... ».

۲- تَجْوِيدِ عَمْلٍ : عبارت از چگونگی « فن و هنر تلاوت قرآن کریم » است که بر اساس تلفظ زبان عربی ، مبتنی بر اداء و استماع میباشد.

## ترتیل چیست؟

ترتیل: در لغت به معنی « منظم و مرتب » ساختن است و در اصطلاح خواندن و یا تلاوت آیات قرآن کریم با قواعد و نظم لازم و اداء صحیح حروف ، تدبیر در معانی و معرفت حقوق است. طوریکه رب العالمین به آن امر فرموده است.

**وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا  
وَقَرَآنَ رَا بَا دَقْتَ وَ تَامِلَ بَخْوانَ.  
« سُورَةُ الْمَزْمَلُ ، آيَةُ ۴ »**

قابل تذکراست که: قرآن عظیم الشأن، در قالب « ترتیل » بشکل تدریجی ، منظم و مرتب؛ آیه به آیه و حرف به حرف و کلمه به کلمه، بالای پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی « صلی الله علیه و آله وسلم » در طی « ۲۳ » سال رسالت، به تدریج نازل شده و ایشان به همان شکل و طریقه به صحابه کرام، آموختانده است .

ترتیل « معرفت حقوق »: یعنی قران عظیم الشأن، به شکل آهسته ، آهسته خوانده شود و هدف از شکل آهسته و منزل به منزل ؛ خواندن حروف آن است تا حق یک حرف، به دیگر حرف نرود و یا به عبارت دیگر: مخرج یک حرف به مخرج حرف دیگر، خلط نشود.

یعنی زمانیکه میخواهید خرمای با هم چسپیده را از هم جدا کنید؛ باید به شکلی کوشش شود تا در وقت جدا کردن خرما، چربی یک خرما در خرمای دیگر نچسپد و نماند .

مراتب تلاوت از نگاه سرعت و غیرسرعت به چهار قسم است: « ۲ »

۱- ترتیل: در لغت به معنی منظم و مرتب کردن میباشد و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم با اطمینان ، همراه با تدبیر در معانی آیات آن ؛ را ترتیل گویند.

۲- تحقیق: در لغت حق چیزی را اداء نمودن و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم با آرامش کامل میباشد که این روش برای کسانیکه در حال تعلیم و تعلم قرآن عظیم الشأن میباشند، روش مناسبی است.

۳- تحذیر: در لغت سرازیر شدن را گویند و در اصطلاح تجوید، به معنای تلاوت نمودن قرآن کریم با سرعت زیاد همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید.  
البته که این روش برای کسانیکه در قرائت قرآن کریم تجربه کافی ندارند، مناسب نمی باشد؛ زیرا با این روش کلمات و حروف را ضایع خواهند ساخت.

۴- تدویر: در لغت دوره کردن و چرخانیدن را گویند و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم، با سرعت متوسط آمده است.  
یعنی خواندن قرآن کریم در میان ترتیل و تحذیر، همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید.

تذکر: علماء تجوید در میان چهار قسم قرائت؛ ترتیل را به عنوان بهترین روش تلاوت انتخاب نموده اند، زیرا ، قرآن کریم با ترتیل نازل شده است.

---

۱- کتاب « حق تلاوت » ، صفحه « ۱۵ » ، نوشتۀ: محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی ».«

## فصل دوم

### الفبای زبان عربی

هر زبان؛ مرکب از « شکل، اسم و تلفظی » خاص بوده و از تعداد معینی حروف الفباء، تشکیل شده است. در اصطلاح علم تجوید مجموع حروف را از « الف تا یاء » بنام « حروف تهجی » یاد میکنند که تعداد این حروف الفباء در زبان عربی « ۲۸ » حرف است.

« الف - با - تا - ئا - جیم - حا - خا - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طا - ظا - عین - غین - فا - قاف - کاف - لام - میم - نون - ها - واو - یا ».

### الفبای زبان عربی

الفبای زبان عربی دارای « ۲۸ بیست و هشت » حرف می باشد که از جمله « چهارده » حرف شمسی و « چهارده » حرف قمری میباشد .

ا « الف »	ب « با »	ت « تا »	ث « ئا »	ج « جیم »	ح « حا »	خ « خا »	د « دال »	ذ « ذال »	ر « راء »	ز « زاء »	س « سین »	ش « شین »	ص « صاد »	ض « ضاد »	ف « فا »	ع « عین »	غ « غین »	ل « لام »	ک « کاف »	ق « قاف »	ه « ها »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

همچنان باید خاطر نشان ساخت که : از جمله « ۲۸ » حرف الفباء عربی؛ به تعداد « چهارده » حرف آن بنام « شمسی » و ب تعداد « چهارده » حرف آن بنام « قمری » تقسیم بندی شده است.

- در تلفظ ب تعداد « ۱۵ » پانزده حرف هر کدام : « جیم - دال - ذال - سین - شین - صاد - ضاد - عین - غین - قاف - کاف - لام - میم - نون - واو » به اندازه سه الف یا مد؛ کش داده میشود.

- در تلفظ بتعداد « ۱۲ » دوازده حرف هر کدام: « بـا - تـا - ثـا - حـا - خـا - رـاء - زـاء - طـا - ظـا - فـا - هـا - يـا » با اندازه یک الف و یا مد کش داد شده و دو حرف متباقی هر کدام « الف و ء » کدام قاعده خاص و یا بخصوص ندارد.

- از مجموع حروف الفبای زبان عربی به تعداد « ۸ » هشت حرف هر کدام: « خـا - رـاء - صـاد - ضـاد - طـا - ظـا - غـين - قـاف » پر یا « تفحیم » و متباقی حروف باریک یا « ترقیق » تلفظ می‌شود. البته حرف « رـا » قاعده خاص نیز دارد.

- هر حرفی را که در زبان دری - فارسی با صدای « زیر » می‌خوانیم؛ در زبان عربی آن را با صدای « الفی » تلفظ می‌کنیم. مثلاً: در زبان دری - فارسی « بـ » و در زبان عربی « بـاء - تـاء » می‌باشد.

- بعضاً « الف مذی » را بالای حروف الفبای زبان عربی، اضافه کرده و تعداد آن را به « بیست و نه » حرف، بلند برده اند.

- حرف « الف » در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را « همزه » می‌گویند و بشکل « ئ »، بالای سه حروف « أ - و - ئ » قرار می‌گیرد.

مثال: « أُولَئِكَ - إِنْ يَشَأْ - لُؤْلُؤٌ - شَيْءٌ » و بعضاً بشکل مستقل « عَانِدَرَتَهُمْ » نوشته می‌شود. **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُ الْضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبَحُتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶) البقرة .**

- همزه در ابتدا، وسط و آخر قرار می‌گیرد. مانند: « أَذْهَبُ - سَأَلَ - قَرَأً » ولی « الف » هیچ کاه در ابتدای کلمات قرار نمی‌گیرد.  
**أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنٍ إِنَّهُ طَغَى (۱۷) النازعات .**

بنماً « الف » که در ابتدای کلمات قرار داده می‌شود، « همزه » است نه « الف »؛ به این اساس حرف اول الفبای زبان عربی « همزه » می‌باشد.

- حروف شمسی « لام شمسی »:

حروف شمسی در الفبای زبان عربی به « چهارده » حرف تقسیم شده و « الف و لام - تعريف » در ابتدای حروف شمسی واقع می‌شود، در آن صورت « لام » خوانده یا تلفظ نمی‌شود و خود حرف « حرف سوم »؛ مشدد « شدت » پیدا مینماید. که بنام « ادغام شمسی » نیز یاد می‌شوند.

مثال: **الْتَّوبَه ، الْتَّابِق ، الدَّار ، الدَّكُور ، الرِّحَيم ، الزَّانِي ، السَّوق ، وَالشَّمْس ، الصَّبَر .** و یا مثلاً: در ایه « الرَّحْمَن الرَّحِيم (۳) سوره ۱: الفاتحة ؛ که حرف « الف » مستقیم با حرف « رـا » مشدد تلفظ شده و حرف « لـام » تلفظ نمی‌شود.

## حروف شمسی «لام - شمسی»

در الفای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « شمسی » تقسیم شده است .

ر « راء »	ذ « ذال »	د « دال »	ث « ثا »	ت « تا »
ض « ضاد »	ص « صاد »	ش « شين »	س « سين »	ز « زاء »
	ن « نون »	ل « لام »	ظ « ظا »	ط « طا »

تپیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

ضمناً باید خاطر نشان ساخت که : در کلمه «**وَالشَّمْسِ**» «الف - لام تعريف» تلفظ نمیشود و بالای حرف چهارم «شین» شدد «مشدد» وارد شده و به «**وَشَمْسِ**» تلفظ میگردد. مثلاً: **وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقْرٍ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْغَرِيزُ الْعَلِيمُ** (٣٨) یس.

## - حروف قمری «لام قمری»:

## حروف قمری «لام - قمری»

در الفبای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « قمری » تقسیم شده است .

ا «الف»	ب «با»	ج «جيم»	ح «حا»	خ «خا»
ع «عين»	غ «غين»	ف «فا»	ق «قاف»	ك «كاف»
م «ميم»	ه «ها»	و «واو»	ي «يا»	

تبلیغ و ترتیب کنند : ب «سعیدی»

حروف قمری در الفبای زبان عربی به « چهارده » حرف تقسیم شده و در صورتیکه « الف - لام تعریف »، قبل از حروف قمری قرار گیرد؛ خوانده یا تلفظ می شود که به همین اساس به آنها « اظهار قمری » نیز میگویند و بشكل ذیل بیان شده است: « حقا که غم خوف عجیب ». مثلاً: **الْأَنْسَانُ ، الْبَحْرُ ، الْجَنَّةُ ، الْحَافِظُ ، الْخَافِفُ**.

- «الإنسان» : وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا {١١} الإسراء .

**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ {٢٠} سُورَةٌ ١ : الفاتحة .**

## فصل سوم

### مخارج حروف

مخارج حروف؛ در «حلق، زبان و لب» قرار دارد و آن قسمت از دستگاه تکلم است که حروف بشکل «اوتاب صوتی» از مخارج مربوطه، خارج یا تلفظ میشود و به سه شکل: «مخارج حروف، حقوق حروف و مستحقات حروف» میباشد.

۱- مخارج حروف: مخارج حروف از جمله مسائل علم تجوید است که خود شاخه‌ای از علوم قرآنی بوده و به اساس رهنمود علم تجوید، هر یک از حروف از جایگاه خاصی تلفظ میشوند و بنام «مخارج حروف» یاد میگردند.

۲- حقوق حروف: عبارت از حالاتی مختلفی است که حروف گوناگون به صورت انفرادی و بدون انکه در بین کلمات قرار گیرند، اداء میشود.

مثلاً در هنگام تلفظ بعضی حروف زبان بطرف کام دهن «بالا سقف دهان» می‌چسپد و در این حالت «درشت و پر حجم» تلفظ صورت میگردد و همچنان بر خلاف بعضی حالت زبان در وقت تلفظ پایین آمده و از سقف دهان دور میشود که حروف «نازک و کم حجم» اداء میگردد.

۳- مستحقات حروف: حالتی را میگویند که حروف در ترکیب خود با حروف دیگر در کلمات و یا به خاطر داشتن حرکات مختلف پیدا کرده که معمولاً در احکام نون ساکن و تنوین و قواعد احکام «اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء» میباشد.

باید تذکر داد که :

مخارج : جمع «مخرج» است ، در لغت محل خروج و در اصطلاح عبارت از جای است که از آنجا حروف خارج و یا تلفظ می شود.

مخارج حروف به طور عمومی از «پنج» «موضع عمومی و از «هفده» محل خصوصی خارج می گردند، که عبارتاً از هریک:

۱- جوف دهان «الجوف»: جوف بمعنى خالیگاه دهن است که از ان سه حرف هر یک : «واو، یاء و الف» خارج میگردد.

۲- اقصای حلق «الحلق»: عبارت از مجرای خوردن و نوشیدن است که در آخر دهن قرار دارد و دارای مخرج «غ ، خ ، ع ، ح ، ئ ، ه » میباشد.

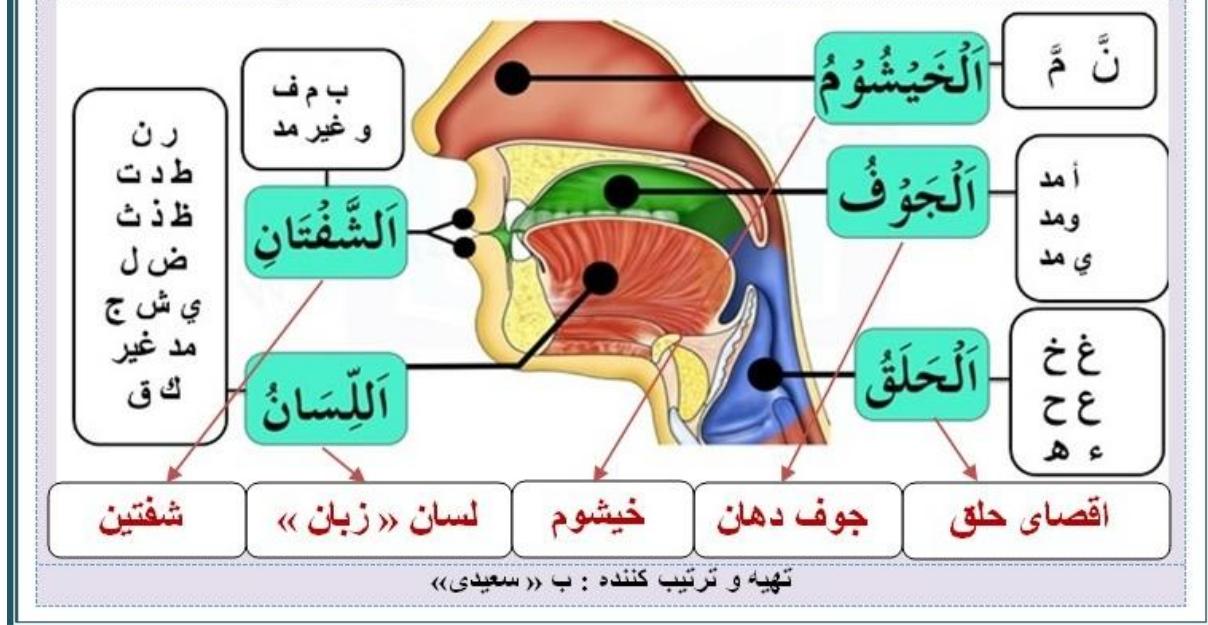
۳- لسان «السان»: در زبان عربی لسان عبارت از «زبان» است که محل مخرج «ر - ن - ط - د - ت ، ظ - ذ - ث - ض - ل - ئ - ش - ج - مد غیر ک - ق » میباشد.

۴- شفتین «الشفتان»: بمعنی شفع و شفع بمعنی «تسمیه لبها» است که محل حروف «ب ، م ، ف و غیر مد» میباشد.

۵- خیشوم «الخیشوم»: خیشوم راه تنفسی بینی و یا آخر بینی است که از آن حرف «ن ، م » در حالت «غنه» خارج میشود. غنه: یعنی بردن آواز در بینی و مقدار غنه به اندازه «یک» حرکت یا یک الف میباشد.

## توضیح در رابطه مخارج حروف

مخارج حروف: در «حلق ، زبان و لب » قرار دارد و آن قسمت از دستگاه تکلم است که حروف بشکل «اوتابر صوتی» از مخارج مربوطه ، خارج یا تلفظ شده و به سه شکل : «مخارج حروف، حقوق حروف و مستحقات حروف» میباشد.



یادداشت: برای پیدا کردن مخرج یک حرف ، باید حرف را ساکن نموده و یک همزه مفتوحه «فَّخَه» بر سر آن بگذاریم .

مثلاً: حرف «ب ، ت ، ث ، ج ، غ » را میتوان به «أَب ، أَت ، أَث ، أَج ، أَغ » تلفظ کرد و در هنگام تلفظ «محلى» که صوت «صدا» ما در آنجا قطع میشود، مخرج همان حرف نامیده میشود.

## تفصیل باب مخرج حروف

### تفصیل باب مخرج حروف

فوق زبان	بیخ زبان	حلق	وسط حلق	اول حلق	جوف دهان
ک	ق	غ، خ	ع، ح	ء، ه	ا، و، ی
ع	ه	ف	ڙ	ڦ	۱

نوك زبان	کناره زبان «بیره»	طرف زبان لسان	نزديک کناره زبان	کناره زبان	وسط لسان «وسط زبان»
د، ط، ت	ر	ن	ل	ض	ش، ی
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷

خشیوم بینی	وسط ابهها	نوك دو دندان	نوك زبان	نوك زبان	نوك زبان
غنه، ن، م	و، م، ب	ف	ص، ز، س	ظ، ذ، ث	ظ، ذ، ث
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۳

تهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- جوف دهان:** از این مخرج سه حرف هریک: ۱ «الف»، و «واو»، ی «یا» خارج میشود.
- اول حلق از طرف سینه «اقصای حلق»:** از آن دو حرف هریک: ۲ «همزه» - ه «هاء» خارج میشود.
- وسط حلق:** از آن دو حرف هریک: ع «عین» و ح «حا» خارج میشود که در حرف «ع» آواز شامل میباشد و در حرف «ح» آواز و «هوا» شامل نمی باشد.
- حلق «لسان، ادنای حلق»:** مخرج آخری است که از آن دو حرف هریک: غ «غین» و خ «خا» خارج میگردد.
- بیخ زبان:** در اخیر کام قرار دارد و از آن حرف ق «قاف» خارج میگردد.
- فوق زبان «آخرین قسمت زبان- ریشه زبان»:** از آن حرف ک «کاف» خارج میگردد.
- وسط لسان «وسط زبان»:** مخرج سه حرف هریک: ج «جیم»، ش «شین» و ی «یاء» میباشد که بنام حروف «شجری» یاد میشود.

البته در وقت اداء کردن حرف «شین» زبان انقدر به شدت به کام نمی چسبد ، به مثل که حرف «ج» میچسبد. حرف «ج» به سختی است ، مثل «حج»؛ و در اداء کردن حرف «ی» فاصله زیاد میماند.

**۸- کناره زبان «حافه لسان»:** با دندانهای اضراس بوده و مخرج حرف ض «ضاء» میباشد . و حرف «ض» از جمله سقیل ترین حرف بالای زبان میباشد و این مخرج بنام «ضرسی» نیز نامیده میشود. «حرف ضرسی «ض»»: عامل تماس کناره زبان با دندان های اضراس است.«.

**۹- نزدیک کناره زبان «دو کناره بیرونی زبان»:** از این مخرج ، حرف ل «لام» خارج می گردد.

**۱۰- طرف زبان، لسان «سرزبان»:** از این مخرج ، حرف ن «نوون» خارج می گردد.

**۱۱- کناره زبان «بیره»، نوک زبان :** از این مخرج ، حرف ر «راء» خارج می گردد. البته حرف «ر» نزدیک به مخرج «ن» میباشد و در وقت اداء کردن از پشت زبان ظاهر میشود.

**۱۲- نوک زبان «بیخ ثنایای علیا» :** از این مخرج سه حرف هریک : د « DAL » ، ط « ظاء » و ت « تاء » خارج شده و بنام حروف « نطعی » یاد میشود. البته در صورتیکه صدا قطع شود « د » به « ت » تبدیل میشود.

**۱۳- نوک زبان همراه دندانها « لبه ثنایای بالا » :** از این مخرج سه حرف هریک : ظ « ظاء » ، ذ « ذا » ، ث « ثاء » خارج شده و بنام « لثوی » نیز یاد میشود.

**۱۴- نوک زبان «کناره ثنایای فک پائین» :** از این مخرج سه حرف هریک : ص « صاد » ، ز « زاء » ، س « سین » خارج می گردد که این سه حروف بنام « صفیر » یعنی « تیزی » و یا « اسلی » نیز یاد میشود.

**۱۵- نوک دو دندان و یا تری لب پائین :** از این محل ، حرف ف « فاء » خارج می گردد.

**۱۶- وسط لبها « هر دولب » :** از این محل سه حروف هریک : و « واو » ، م « میم » ، ب « با » خارج می گردد و بنام حروف « شفوی یا شفهی » یعنی « لبی » نیز یاد میشود. قابل یادداهانی است که: تری هر دولب در حالت پیوسته بهم مخرج دو حرف « ب ، م » و در حالت باز مخرج حرف « و » میباشد.

**۱۷- خشیوم :** خیشوم و یا راه تنفسی بینی؛ دارای یک مخرج خصوصی برای دو حرف «ن ، م » فقط در حالت « غنه » میباشد.

## حروف و مخارج آنها

- حروف حلقی : شش حرف هریک « ء - ه - ح - ع - خ - غ » میباشد که از مخارج : « جوف دهان ، اول حلق از طرف سینه « اقصای حلق » ، وسط حلق و حلق « لسان ، ادنای حلق » خارج میگردد . « صفحه ۱۶ ، تفصیل باب مخرج حروف ». .
- حروف لهوی: « ق - ک » لهات « زبان کوچک ». .
- حرف ضرسی: « ض » چون تعداد زیادی از دندان های الاشه گی در تلفظ آن دخالت دارند.

- حروف شجري: « ج - ش - ی » شجر یعنی « سقف دهان ». .
- حروف لثوي: « ر - ل - ن » لثه « بیره » را گویند و بیره در ایجاد این حروف نقش اصلی را دارد.
- حروف نطعی : « ت - د - ط » برجستگی های بیره در پشت ثایای بالا را نطبع می گویند.
- حروف ذلقي یا ذوقی : « ث - ذ - ظ » ذلق به معنی تیزی نوک زبان است.
- حروف اسلی : « ز - س - ص » آسلة اللسان یعنی قسمت جلویی زبان « باریکه ی سر زبان ». .
- حروف شفوی یا شفهی : « ب ، ف ، م ، و » شفوی یعنی « لبی ». .
- حروف جوفی یا هوایی : « ا - و - ی » میباشد.

## مخارج و رعایت تلفظ صحیح حروف

الفبای زبان عربی به تعداد « ۲۸ » حروف داشته که از جمله فقط تلفظ « ده » حرف هر کدام :

( ث « ثاء » ، ح « حاء » ، ذ « ذال » ، ص « صاد » ، ض « ضاد » ، ط « طاء » ، ظ « ظاء » ، ع « عین » ، غ « غین » ، و « واو » ) با الفبای زبان دری - فارسی فرق و یا تفاوت اساسی دارد و متفاوتی « هژده » حرف چندان تفاوت اساسی ندارند ، که رعایت تلفظ صحیح آنها ، ذیلاً بیان میگردد .

- **حروف ث « ثاء »:** با تماس نوک زبان با سر دو دندان پیشین بالا ، البته نازک و ظریف تلفظ میشود.  
مثال: « إِثْمٌ - كَثِيرًا - ثَلَاثُونَ » ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹) سوره ۲ : البقرة .
- **حروف ذ « ذال »:** از برخورد نوک زبان با سر دندانهای جلو بالا با نرمی ، تلفظ میشود. مثلاً: « مَنْذِرِينَ - مُحْذِرَا - ذَلِكَ » ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) سوره ۲ : البقرة .

- حرف ط «طاء»: از برخورد سر زبان به محل اتصال دندانهای جلو با لثه بالا با جمع شدن لبها تلفظ میشود.  
مثال: «طَائِقَتَانٍ - يُطْوِفُ» إِذْ هَمَتْ طَائِقَتَانٍ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲) آل عمران.

- حرف ظ «ظاء»: از برخورد بخش مجاور نوک زبان به محل اتصال دندانهای جلو با لثه بالا ، البته بشکل درشت و پر حجم تلفظ میشود.  
مثال: «ظَالِمُونَ - عَظِيمٌ» وَظَلَّلَنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلَوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكُنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلَمُونَ (۵۷) سوره ۲ : البقرة .

- حرف ص «صاد»: بشکل درشت و پر حجم ادا میشود، البته زبان به کام بالا تعامل داشته و در دهان جمع شده و لفظ میشود.  
مثال: «صَادِقُونَ - صُمْبُكُمْ عُمَيْ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸) سوره ۲ : البقرة .

- حرف ض «ضاد»: از تماس کناره زبان با کناره دندانهای آسیا در فک بالا تلفظ میشود ، البته حرف «ضاد» پر حجم ترین و درشت ترین حرف در زبان عرب است و از جانب هم چون ریشه زبان به سمت بالا تعامل دارد ، درشت و پر حجم ادا میشود.  
مثال: «مُغَضُوبٍ - ضَالِّينَ» صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷) سوره ۱ : الفاتحة .

- حرف ح «حاء»: از میان حلق با دمیدن هوا و گرفتگی خاصی ادا میشود.  
مثال: «حَافِظُوا - الرَّحِيمٌ» الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۳) سوره ۱ : الفاتحة .

- حرف ع «عین»: از میان حلق تلفظ میشود و صدای حرف به دیواره حنجره کشیده شده و صدایی غلیظ و قابل امتداد را میدهد .  
مثال: «عُمَلاً - تُعَلِّمُونَ» إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً (۳۰) الكهف .

- حرف غ «غین»: از ابتدای حلق به زبان کوچک نزدیک شده و به صورت نرم و کشیده ادا می شود.  
مثال: «إِغْفِرْ - يُبَغْوَنَ» قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَا خِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱۵۱) الأعراف .

- حرف و «واو» : با عبور هوا از میان دو لب در حالی که لبها به صورت دایره و غنچه در آمده ، تلفظ میشود .  
مثال: «بُلَوْنَاهُمْ - يُوْسُوْنَ» وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالآخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُونَ (۴) سوره ۲ : البقرة .

## فصل چهارم

### دندانها

دندان : دندان بخش سخت و محکمی در « فک انسان » است که عمدتاً برای جویدن ، تکه کردن، بریدن و آسیاب غذا بوده و همچنان نقش مهمی در تکلم و ادای صحیح کلمات، دارد.

قابل تذکر است که: معمولاً انسانها دارای بیست « ۲۰ » دندان اولیه بنام « دندان شیری » و متعاقباً دارای سی و دو « ۳۲ » دندان دائمی میباشند که توسط « ریشه ، تاج ، مینا ، عاج و ساراج » پوشانیده شده و به نام « داندان پیش ، داندان نیش و دندان آسیاب » تقسیم و یاد میگردد.

خارج حروف الفبای زبان ، لب و دندانها بوده و از جانب هم اکثراً مخارج حروف در تجوید قرآن کریم ، به دندان ها تعلق دارد. بنابراین ضرورت است تا به شکل درست آنها را شناخت که از کدام جای اداء و از کدام مخرج ، آواز از آنها خارج و یا تلفظ میگردد.

### دندانها

معمول انسانها دارای « 20 » دندان اولیه بنام « دندان شیری » و  
متعاقباً دارای « 32 » دندان دائمی میباشند

الفک بالا	١ - ثاباً « دندان پیش »
الثاب	٢ - رباعيات يا « قواطع »
الرباعيات	٣ - انیاب « دندان نیش »
الانیب	٤ - ضواحك « اسیاب »
الضواحك	٥ - اضراس « اسیاب بزرگ »
الاضراس	٦ - نواجذ « عقل دندان »
النواخذ	
فك پایین	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- ۱ - **ثایا « دندان پیش » :** البته دو دندان پیش روی طرف بالا بنام « ثایای علیا » و دو دندان پایان دهن بنام « ثایای سفلی » یاد میشوند.
- ۲ - **رباعیات یا « قواطع »:** البته دو دندان بطرف بالا و دو دندان بطرف پائین بنام « رباعیات » یاد میشوند.
- ۳ - **انیاب « دندان نیش »:** دو دندان بالا و دو دندان پائین بنام انیاب یا « کواسر » یاد میشود.
- ۴ - **ضواحک « اسیاب کوچک »:** دوندان بالا و دو دندان پائین بنام ضواحک یاد میشود.
- ۵ - **اضراس « اسیاب بزرگ »:** سه دندان بالا و سه دندان پائین بنام اضراس یاد میشود.
- ۶ - **نواخذ « عقل دندان » :** دو دندان الاشه بالا و دو دندان الاشه پائین ؛ بنام نواخذ یاد میشوند.

یادداشت: کمیت و نام « دندانها » به صورت شعری به نظم ذیل در آورده شده است.  
سی و دو ز دندانها یاد دار - ثایا چهار و رباعی چهار  
چهارند انیاب و اضراس بیست - ضواحک طواحن نواخذ شمار  
ضواحک چهارند بی قیل و قال - طواحن ده و دو نواخذ چهار

## فصل پنجم

### صداي کوتاه و صداي کشیده

حرکات و یا صداها نقش اساسی در تلفظ حروف و کلمات قرآن عظیم الشان دارد و به دو شکل: صداي کوتاه و صداي کشیده، تقسیم شده است.

#### ۱- صداي کوتاه یعنی حرکات «فتحه، کسره و ضمه»:

حرکات در ادبیات عبارت از « تکان خوردن ، جنبیدن و تغیر مکان دادن » است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از حرکت کوتاه و یا صداي سه گانه: « **فتحه، کسره و ضمه** » میباشد که از چگونگی ادای حروف تهجی حکایت میکند و هرگاه دارای حرکت باشند، آن را « متحرک » نیز میگویند. مثلاً « **مَالِكٌ يَوْمَ الدِّينِ** (۴) الفاتحة » .

#### - حرکت فتحه یا زیر « حرف مفتوح »:

**فتحه**: حرکت فتحه « بالاي » حروف قرار میگرد و بمعنی باز شدن « دهان » است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از باز شدن « دهان و لب » در وقت تلفظ کردن بسمت « بالا » بوده و صداي « آ » را میدهد و به نام « حرف مفتوح » نیز نامیده میشود.

**فتحه** : یعنی « الف مقصورة اي » که در سر حرف قرار داده میشود و در وقت صداي « آ » در مخرج ان کشیده میشود .  
مثالاً : « **أ، بـ** » همچنان در تلفظ فتحه یا « حرف مفتوح » کوشش شود تا صدا کوتاه باشد و با مثل الف « مدی »، کش داده نشود.

#### حرکت فتحه یا « زیر »

**فتحه**: حرکت فتحه « بالاي » حروف قرار میگرد و بمعنی باز شدن « دهان » است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از باز شدن « دهان و لب » در وقت تلفظ کردن بسمت « بالا » بوده و صداي « آ » را میدهد و به نام « حرف مفتوح » نیز نامیده میشود .

**« - » مثلاً : « **أ - بـ** »**

## - حرکت کسره یا زیر « حرف مكسور »:

**کسره :** حرکت کسره در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنى « شکسته » میباشد و در اصطلاح علم تجوید به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ لب پائین ، حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مكسور » نیز یاد میشود .  
مثالاً : « ا - يا - جا » « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » « ۱ : الفاتحة » .

### حرکت کسره یا « زیر »

**کسره :** حرکت کسره در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنى « شکسته » میباشد و در اصطلاح علم تجويد به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ « لب » پائین حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مكسور » نیز یاد میشود .

« - » مثلاً : « ا - يا »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

**کسره :** يعني « الف مقصوره اي » که در زیر حرف قرار داده میشود ، صدای « ي » را میدهد و زیاد صدا کش داده نشود که صدای « ي » را ندهد .

**کسره :** اگر کسره در زیر حرف قرار گرفت که بعد از آن حرف « ي » ساکن باشد؛ در آن وقت صدای « ي » در مخرج ان کشیده میشود .

- حرکت ضمه و یا پیش « حرف مضموم »:

**ضمه :** ضمه « بالای » یک حرف قرار میگرد؛ مثل حرف « و » کوچک است و در اصطلاح تجويد به حرکت میگویند که در تلفظ ، لبها به اهسته جمع و به هم پیوسته و غنچه میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند . مثلاً : « أ - باً » « أُولَئِكَ عَلَى هُدَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ » .

### حرکت ضمه و یا « پیش »

**ضمه :** ضمه « بالای » یک حرف قرار میگرد؛ مثل حرف « و » کوچک است و در اصطلاح تجويد به حرکت میگویند که در تلفظ « لبها » به اهسته جمع و به هم « پیوسته و غنچه » میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند .

« - » مثلاً « أ - باً »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

**ضَمَّةٌ** : بشکل «پیش سرچپه» بوده ، اگر بالای حرف قرار گرفت که بعد از آن « و » ساکن باشد؛ در آن صورت صدای « آو » در مخرج ان کشیده میشود. مثلاً: « آو، بُوو » ضَمَّةٌ در وقت صدا ، کوشش شود که زیاد کشیده نشود و صدای « آوو » را ندهد.

**توضیح** : در موقع تلفظ حرکت « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ وَ ضَمَّةٌ » کوشش شود تا صدا کوتاه و زیاد کش داده نشود که به همین اساس این سه حرکت را بنام « حرکت کوتاه » نیز یاد میکنند.

## ۲ - صدای کشیده « حروف مذّی »:

### صدای کشیده « حروف مذّی »

حرکات یا صدای کشیده که بنام « حروف مذّی » نیز یاد میشود : عبارت از:  
**« الف - ياء - واو »** بوده و از کشش صدای « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ وَ ضَمَّةٌ » تشکیل میشوند .

# « آ - او - اي »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

حرکات یا صدای کشیده که بنام « حروف مذّی » نیز یاد میشود ؛ عبارت از : **« الف - ياء - واو »** بوده و از کشش صدای « فَتْحَةٌ ، كَسْرَةٌ وَ ضَمَّةٌ » تشکیل میشوند.

### ۱ - صدای کشیده « آ » فَتْحَةٌ :

هر وقتیکه روی یک حرف علامت فَتْحَةٌ قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که فَتْحَةٌ دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود.

### صدای کشیده « آ » فَتْحَةٌ

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « فَتْحَةٌ » قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که « فَتْحَةٌ » دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

الف به شکل بلند (۱)

مَكَانٌ	خَافٌ	قَالَ	كَانَ
---------	-------	-------	-------

الف کوتاه تنها (۱)

أَيْمَنُهُمْ	مَشْرِقٌ	أَعْمَلُهُمْ	تَبَرَّكَ
أَنْزَلَنَاهُ	يُجَدِّلُ	أُمَّهَلْتُكُمْ	جَنَّلُ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

## ۲ - صدای کشیده « ای » گسزه:

هر وقتیکه روی یک حرف علامت گسزه قرار داشت و بعد از آن حرف « **ی** » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که گسزه دارد، با صدای « **ی** » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً : « **هُدَى لِلْمُتَّقِينَ** » **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَبَّ لَهُ بِهِ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ** (۲) البقرة .

### صدای کشیده « ای » گسزه

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « گسزه » قرار داشت و بعد از آن حرف « **ی** » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که « گسزه » دارد، با صدای « **ی** » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

<b>صِی</b>	<b>سِی</b>	<b>رِی</b>	<b>بِی</b>	<b>اِی</b>
<b>بِی</b>	<b>هِی</b>	<b>وِی</b>	<b>نِی</b>	<b>کِی</b>

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

## ۳ - صدای کشیده « آو » « ضممه »:

هر وقتیکه روی یک حرف علامت ضممه قرار داشت و بعد از آن حرف « **و** » قرار گیرد؛ در آن وقت، آن حرف که ضممه دارد، با صدای « **آو** » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً : « **قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ** » (۱۱) الشعراة.

### صدای کشیده « آو » « ضممه »

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « ضممه » قرار داشت و بعد از آن حرف « **و** » قرار گیرد؛ در آن وقت، آن حرف که « ضممه » دارد، با صدای « **آو** » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

<b>جُو</b>	<b>ثُو</b>	<b>ثُو</b>	<b>بُو</b>	<b>أُو</b>
<b>هُو</b>	<b>وُو</b>	<b>خُو</b>	<b>ذُو</b>	<b>دُو</b>

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

## فصل ششم

### علامت مد « ~ »

مد : بمعنی کشیدن ، دراز کردن و یا طولانی کردن است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از کشش و یا امتداد صوت « آواز » در حروف مدی « آ - و - ئ » میباشد.

علامت « مد »		
علامت مد : فقط بالای « سه » حرف الفبای زبان عربی : « ا ، و ، ئ » قرار میگرد .		
إِنَّى أَغْلَمُ	ثَأْمِرْوَنَى	جَاءَ
وَجْهَىَءَ	فَالْوَأْعَامَنَا	شَهَدَأَعْكُمْ
يُضَىَءُ	فُؤَأْنَفْسَكُمْ	أَضَاءَثُ
تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »		

حروف مدی « آ - و - ئ »: مد به روی سه حرف الفبای زبان عربی هریک : « آ - و - ئ » قرار میگیرد که آن را بنام « واى » و یا حروف « علت » نیز یاد مینمایند و همچنان مد استثنای بالای حروف مقطعه « مقطوعات » که در ابتدائی « بیست و نه » سوره قرآن کریم امده ، نیز قرار میگیرد .

واحد اندازه گیری حروف مدی: واحد اندازه گیری مد ، حرکت است؛ یعنی یک « الف » مساوی به « دو حرکت » است و « دو حرکت » مساوی به « یک ثانیه » میشود . اگر چه در رابطه به اندازه و یا مقدار کشیدن حروف مدی؛ کدام اندازه معین وجود ندارد، ولی مشایخ و استادان « علم تجوید » متفق النظر هستند که: حروف مدی از: « یک الف » که مساوی به « دو حرکت » و یا بستن « دو انگشت » میشود ، تا « سه الف » که مساوی به « شش حرکت » و یا بستن « شش انگشت » میشود؛ مد و یا کش داده میشود .

علماء و استادان « علم تجويد » در رابطه به « حروف مدي » چنین گفته اند:

مد ها دیباچ « پارچه ابریشمی » قرآن کریم هستند؛ همانگونه که پارچه ابریشم را برای زیبایی و آراستگی به تن میکنند، به همان شکل مد و کشش صوت، باعث آرایش و زیبایی در قرائت و یا روخوانی قرآن کریم میگردد.

قابل تذکر است که: اسباب مد عبارت از « همزه و تشديد » میباشد و علامت « مد » به ترتیب ذیل واقع میگردد.

- هروقتیکه بعد از حروف مدي؛ حرف همزه « ئ » یا علامت « تشديد » قرارگیرد در آن صورت علامت « مد » واقع میگردد. مثلاً:

- وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا « ٣٠ » سوره ٧٦: الإنسان.  
در کلمه « تَشَاءُونَ » بعد از « الف » مدي؛ « همزه » واقع شده است.

- صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ {٧} سوره ١: الفاتحة. در کلمه « وَلَا الضَّالِّينَ » بعد از « الف » مدي؛ بالای حرف « لام » تشديد واقع شده است.

- در صورتیکه « الف »: خودش ساکن و قبل آن فتحه یا « زبر » داشته باشد. مثلاً:

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ {١٠} سوره ٢:  
البقرة : در کلمه « فَزَادَهُمُ اللَّهُ » حرف مدي « الف » ساکن و حرف قبل از آن « زآ » حرکت « زبر » دارد، در این حالت « مد » واقع شده و دو « حرکت » کش میشود.

- در صورتیکه « واو »: خودش ساکن و قبل آن پیش ضمه و یا « پیش » داشته باشد.

مثالاً: أُولَئِكَ عَلَى هُدَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ {٥} سوره ٢: البقرة : در کلمه « هُمُ الْمُفْلِحُونَ » حرف مدي « واو » ساکن و حرف قبل از آن « حآ » حرکت « پیش » دارد، در این حالت « مد » واقع شده و به حرف « واو » دو حرکت کش داده شود.

- در صورتیکه « يآ »: خودش ساکن و قبل آن کسره یا « زیر » داشته باشد. مثلاً :

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ {٢} سوره ٢: البقرة : در کلمه « هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ » حرف مدي « يآ » ساکن و حرف قبل از آن « قاف » حرکت « زیر » دارد، در این حالت « مد » واقع شده و به حرف « يآ » دو حرکت کش داده شود.

قابل یادداهانی است که: در بعضی مصحف قران کریم به عوض حروف مدي ، از عالیم چون « الف » کوچک ، « واو » کوچک و « يآ » کوچک که نشان دهنده حروف مدي میباشد، نیز استفاده شده است. مثلاً :

- فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتَمَ {٢} سوره ١٠٧: الماعون. در « فَذَلِكَ » بعد از حرف « ذال » يک « الف » کوچک ، که منحیث « الف » مدي میباشد، نشانی شده است.

همچنان « يآ » کوچک در: أَلْفُهُمْ رِحْلَةُ الشِّتَّاءِ وَالصَّيْفِ « ٢ » سوره ١٠٦: قریش و يا حرف مدي « واو » در: فَأَمَّةٌ هَاوِيَةٌ « ٩ » سوره ١٠١: القارعة .

مد اصلی « مد طبیعی یا مد ذاتی » :

مدى است که محتاج به اسباب نباشد و در سه حرف مدي « آ - و - ئ » واقع میشود و یا مدي است که خودش ساکن و حرف قبل از آن حرکت داشته باشد و یا مدي است که هم در حالت « وقف » و هم در حالت « وصل » بشكل « طبیعی » وجود داشته و به شکل ذاتی به اندازه یا مقدار یک « الف » که مساوی به « دو حرکت » است، کش داده میشود. مثلاً :

- **صَرَاطٌ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ** (٧) سوره ١ : الفاتحة :  
در « صِرَاطٌ » حرف « الف » از جمله حرف مدي است و حرف ما قبل ان « را » زبر دارد، باید بشكل طبیعی به اندازه دو حرکت کش داده شود و همچنان این مد طبیعی باعث آن میشود که فرق بین « زبر » و « الف » صورت گیرد.

مثلاً : در « تَوَابَ » که حرف « بآ » زبر دارد یک حرکت و در « تَوَابَاً » که مد طبیعی « الف » است ، به اندازه دو حرکت کش داده میشود.

- **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (٥) سوره ١ : الفاتحة : در « إِيَّاكَ » الف از جمله حرف مدي است و ساکن میباشد و حرف قبل ان « یا » که زبر دارد، در اینجا حرف مدي « الف » باید بشكل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

- **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (٢) سوره ١ : الفاتحة : در « الْعَالَمِينَ » حرف « یا » از جمله حرف مدي است و حرف قبل ان حرف « میم » زبر دارد ، در اینجا باید حرف مدي « یاآ » بشكل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

- **فُلْ أَفْغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيْهَا الْجَاهِلُونَ** (٦٤) سوره ٣٩ : الزمر : در « تَأْمُرُونِي » حرف « واو » از جمله حرف مدي است و حرف قبل ان « را » پیش دارد، باید در اینجا حرف مدي « واو » بشكل طبیعی « دو حرکت » کش داده شود .

مد فرعی :

مد فرعی ؟ مدي است که محتاج به اسباب باشد و یا به علت واقع شدن « همزه ، سکون و تشديد » با حرف مدي به وجود میاید و باید تا اندازه چهار حرکت کش داده شود.

مثلاً : **وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** « ٣٠ » سوره ٧٦ : الإنسان .  
البه « الف » مدي در کلمه « تَشَاءُونَ » ، مد فرعی میباشد و بعد از آن همزه واقع شده است و باید در وقت قرائت و یا روختانی تا « چهار حرکت » کش داده شود .

- هروقتیکه بعد از حروف مدي ، حرف همزه « ئ » ، علامت « سکون » و یا علامت « تشید » قرارگیرد ، در آن صورت مد فرعی واقع میشود و به اشکال ذیل : « مد متصل ، مد منفصل ، مد لازم ، مد سکون عارضی و مد لین » تقسیم شده است .

### مد متصل:

هر وقتیکه بعد از حروف مدي ؛ حرف همزه «ء» واقع شود ، و هردو «مد و همزه» در یک کلمه قرار گيرد ، در آن صورت «مد متصل» نامیده ميشود . البته ؛ کشیدن مد در «مد متصل» بالای قرائت کننده واجب «لازم» است و باید به اندازه پنج «حرکت» کشش داده شود.

مثالاً : - فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةَ سِيَّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقَبِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَعُونَ (۲۷) سوره ۶۷ : الملك : در کلمه «سيَّئَتْ» بعد از حرف مدي «يأ» ، حرف همزه قرار گرفته که در اين حالت مد متصل در یک کلمه قرار دارد و باید مد «يأ» بشکل لازمي تا «پنج حرکت» کش داده شود.

### مد منفصل:

هر وقتیکه بعد از حروف مدي ؛ حرف همزه «ء» واقع شود و هر دو «مد و همزه» در دو کلمه جداگانه قرار گيرد ، در آن صورت «مد منفصل» نامیده ميشود . البته ؛ کشیدن مد در «مد منفصل» جائز «اختياری» است و باید به اندازه چهار «حرکت» به مد کش داده شود.

مثالاً : - مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲) سوره ۱۱۱ : المسد. «ما» در یک کلمه و «أَغْنَى» در کلمه ديگر قرار دارد که در اين حالت؛ مد «ما» به اندازه «چهار حرکت» کش داده شود .

### مد لازم :

hero وقتیکه بعد از حروف مدي «آ - و - ئ» ، شدد «تشديد» يا حرف ساكن اصلی قرار گيرد ، مد لازم واقع ميگردد . در آن صورت باید حروف مدي ؛ به اندازه شش «حرکت» و يا بستن تاشش انگشت ، کشیده شود.

مثالاً : - صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷) سوره ۱ : الفاتحة. در «الضَّالِّينَ» : چون بعد از مد «الف» ، در حرف «لام» تشديد امده و از جانب هم «لام» اول ساكن است، بناءً در اين حالت مد واقع شده و «الف» به اندازه شش حرکت کش داده شده و متعاقباً حرف «لام» اول سکن و بعداً حرف «لام» دوم متحرك تلفظ ميشود.

### مد عارض سکون :

مد عارض در حالت وقف به وجود ميابد ؛ وقتیکه بعد از حرف مدي «آ - و - ئ» ، حرف ساكن واقع شود که البته سکون در آن باخاطر وقف کردن باشد ، در آن حالت مد عارض سکون واقع ميشود.

مثالاً : - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) سوره ۱ : الفاتحة : در «الْعَالَمِينَ» حرف «يا» از جمله حرف مدي است و حرف بعد ان «نون» که حرکت «زبر» دارد و ساکن ساخته شده است. بناءً در اين حالت مد «يأ» باید به اندازه «دو، چهار و يا شش» حرکت، به شکل اختياری کش داده شود.

- مد لین :

مدى لين ؛ دردو حرف مدي هريک: « و - ی » ، در صوريكه ساكن باشد و يا بخاطر وقف ساكن ساخته شوند و همچنان حرف ما قبل از آن زير « پيش » داشته باشد، واقع ميشود.

مثالاً : لایلَفِ قُرْيَشٍ (۱) سوره « ۱۰۶ : قريش » : در « قُرْيَشٍ » حرف مدي « یاً » ساكن است و حرف قبل آن « راء » زير دارد که در اين حالت مد لين واقع شده و باید به اندازه « دو، چهار و يا شش » حرکت ، به شکل اختياری کش داده شود.

مد در حروف مقطعيه « مقطعيات » :

حروف مقطعيه يا « مقطعيات » که بنام حروف « نوراني » نيز ياد ميشوند؛ چهاده حرف الفبای زبان عربی هريک : « الف - حا - را - طا - ها - یا - سين - صاد - قاف - کاف - لام - ميم - نون - عين » ميباشد که در ابتدائي « بيست و نه » سوره قرآن كريم آمده و استثناء با علامت « مد » بشکل « جدا ، جدا » خوانده و « مد » کش داده ميشود .

قابل تذکر است که : حروف مقطعيه بشکل « يك حرفی ، دو حرفی و سه حرفی » تقسيم شده و به ترتيب ذيل مد ميگردد . مثلاً :

۱ - حرف « الف » : بشکل عادي ؛ به اندازه يك حرکت کش داده ميشود.

۲ - حرف « حا - را - طا - ها - یا » : دو حرفی است ؛ که هركدام به اندازه « دو ، دو » حرکت بشکل مد طبعی ؛ کش داده ميشود . مثلاً :

- طه (۱) در سوره ۲۰ : طه : متتشکل از دو حرف « طا ، ها » يعني دو حرفی است و هركدام به اندازه « دو ، دو » حرکت ؛ مجموعاً « چهار » حرکت کش داده ميشود . - ص وَالْقُرْآنِ ذِي الدِّكْرِ (۱) در سوره ۳۸ : ص : متتشکل از سه حرف « صاد ، الف ، دال » يعني سه حرفی است و هركدام به اندازه « دو ، دو » حرکت ، مجموعاً « شش » حرکت کش داده ميشود .

۳ - حروف « سين - سين - صاد - قاف - کاف - لام - ميم - نون » : سه حرفی است ؛ که به اندازه « شش ، شش » حرکت ، بشکل مد لازم کش داده ميشود . مثلاً :

- حم (۱) در سوره ۴۰ : غافر : « حا » متتشکل از دو حرف « ح - ا » يعني دو حرکت و همچنان حرف « ميم » متتشکل از سه حرف « م - ی - م » هركدام « دو ، دو ، دو » حرکت ؛ مجموعاً « شش » حرکت ، کش داده ميشود .

- « المص » (۱) سوره ۷ : الأعراف : حروف مقطعيه « المص » : از حروف « الف ، لام ، ميم ، صاد » تشكيل شده که به ترتيب ذيل ، بشکل جدگانه « مد » ميشود :

- « الف » از يك حرف تشكيل شده ، بناً مجموعاً « يك » حرکت کش داده شود .

- « لام » از سه حرف « ل - ا - م » تشكيل شده ؛ بناً « دو ، دو حرکت » مجموعاً « شش » حرکت کش داده شود .

- «میم» از سه حرف «م - ی - م» تشکیل شده؛ بنابراین «دو، دو، دو» حرکت مجموعاً «شش» حرکت کش داده شود.

- «صاد» از سه حرف «ص - ا - د» تشکیل شده؛ بنابراین هر کدام «دو، دو، دو» حرکت، مجموعاً «شش» حرکت کش داده شود.

۴- حرف **«عین»** چون «یا» ساکن است و قبل آن حرف «عین» زیر دارد، بنابراین جمله حروف مد عارض لین بشمار رفته و در اینجا بشكل اختیاری به اندازه «دو، چهار و یا شش» حرکت، کش داده میشود.

### معلومات در مورد حروف مقطعه «مقطوعات»

شماره	حروف مقطعه	تلفظ	سوره
۱	الـم	الف ، لام ، میم	« البقره» ، «آل عمران» ، «العنکبوت» ، «الروم» ، «لقمان» ، «السجده»
۲	الـمـصـ	الف ، لام ، میم ، صاد	«الاعراف»
۳	الـرـء	الف ، لام ، را	«يونس» ، «هود» ، «یوسف» ، «ابراهیم» ، «الحجر»
۴	الـمـرـء	الف ، لام ، میم ، را	«الرعد»
۵	كـهـيـعـصـ	كاف ، ها ، یا ، عین ، صاد	«مریم»
۶	طـهـ	طا ، ها	« طه »
۷	طـسـمـ	طا ، سین ، میم	«الشعراء» ، «القصص»
۸	طـسـنـ	طا ، سین	«النمل»
۹	يـسـ	یا ، سین	«یس»
۱۰	صـءـ	صاد	ص
۱۱	ـحـمـ	حا ، میم	«غافر» ، «فصلت» ، «الزخرف» ، «الدخان» ، «الجاثیه» ، «الاحقاف»
۱۲	ـحـمـ عـسـقـ	حا ، میم ، عین ، سین ، قاف	«الشوری»
۱۳	ـقـ	قاف	« ق »
۱۴	ـنـ	نون	« القلم»

## فصل هفتم

# قوانين «الف وصل» و «همزه وصل» در چهار حروف ناخوانا «والى»

در زبان عربی، چهار حرف الفبای هر کدام: «ا - ل - و - ئ» که بنام «والى» و یا حروف «ناخوانا» نیز یاد می‌شود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد، بشکل مطلق خوانده نمی‌شود، ولی نوشته می‌شود.

## حروف ناخوانا «والى»

در زبان عربی، چهار حرف الفبای هر کدام: «ا - ل - و - ئ» که بنام «والى» و یا حروف «ناخوانا» نیز یاد می‌شود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد، بشکل مطلق خوانده نمی‌شود، ولی نوشته می‌شود.

## «ا - ل - و - ئ»

تهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- **الف «أ»:** از جمله چهار حروف ناخوانا «والى» است، که بعضی اوقات علامت «ص» و یا علامت صفر «ه» بالایش قرار می‌گرد و در صورتیکه در «وسط» و یا «آخر کلمه» واقع شود، بشکل مطلق خوانده نمی‌شود.

ولی اگر حرف الف در «اول کلمه» قبل از حرف «ل» و یا سایر حروف الفبای قرار گرفت، در آن وقت برای تلفظ «الف»؛ حرکت «فتحه»، کسره یا ضمه «با درنظر داشت قاعده خاص، داده می‌شود.

- **الف صفردار:** الف که بالای آن نشان «صفر» باشد، خوانده نمی‌شود که اکثراً در اخیر کلمه می‌اید.

## الف صفردار

الف صفردار: الف که بالای آن نشان « صفر » باشد ، خوانده نمیشود که اکثرآ در اخیر کلمه میاید .

عَامَّنُوا  
كَفَرُوا  
قَامُوا  
خُذُوا

ا

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- **الف وصل « ص »:** الف که بالای آن حرف « ص » باشد به ترتیب ذیل قابل خواندن و یا تلفظ است:

۱- **اگر الف وصل:** در « ابتدای کلمه » و قبل از حرف لام « ل » قرار گیرد ، در آن صورت با اضافه کردن حرکت « فتحه » ، حرف الف خوانده میشود .  
مثالاً در سوره مبارکه الفاتحة: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۳) .

## الف وصل « ص »

اگر الف وصل : در ابتدای کلمه و قبل از حرف « ل » قرار گیرد ؛ در آن صورت با اضافه کردن حرکت « فتحه » ، خوانده میشود .  
مثالاً « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » .

الْحَمْدُ  
الّذِينَ  
الْحَجَرَ

الْحَمْدُ  
الّذِينَ  
الْحَجَرَ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

۲- اگر الف وصل: در «مابین کلمه» قبل از حرف «ل» در یک کلمه قرار گیرد؛ در آن حالت به هیچ صورت «الف وصل» خوانده نمیشود.

مثالاً در سوره مبارکه الفاتحة: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

### الف وصل «ص»

اگر الف وصل : در «مابین کلمه» ؛ قبل از حرف «ل» در یک کلمه قرار گیرد؛ در آن حالت به هیچ صورت «الف وصل» خوانده نمیشود .  
مثالاً «والعصر» .

بِالْيَوْمِ

بِالْقَلْمِ

وَالْفَتْحُ

وَالْعَصْرِ

ص

تهیه و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

۳- اگر الف وصل: بدون حرف «ل»، به حروف دیگری «الفای عربی» در «ابتدا کلمه» قرا داشته باشد ، در آن صورت قاعده ذیل باید صورت گیرد:

- اگر در ابتدا کلمه حرف «الف» بدون حرف «لام»، به یکی از حرف «ساکن» «قرار داشت در آن صورت برای حرکت دادن و خواندن «الف» باید به حرف بعدی آن که «حرف سوم» کلمه است و حرکت دارد ، به ترتیب ذیل مراجعه شود.

۱- اگر حرف سوم: حرکت «کسره» داشت ، برای خواندن «الف وصل» ، حرکت «کسره» داده شده و خوانده میشود.  
مثالاً در سوره مبارکه الفاتحة: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶).

۲- اگر حرف سوم: حرکت «ضمه» داشت، برای خواندن «الف وصل» ، حرکت «ضمه» داده شده و خوانده میشود.

۳- اگر حرف سوم: حرکت «فتحه» داشت ، در این حالت برای خواندن «الف وصل» ، حرکت «فتحه» داده نمیشود ، چون حرکت «فتحه» در حالتی بود که حرف «الف» قبل از حرف «ل» قرار داشت. بناءً در این حالت باز هم برای خواندن حرف «الف» ، حرکت «کسره» داده میشود.

## ۲- قواعد در مورد سه حرف « و - ل - ئ » ناخوانا « والی »:

اگر بالای سه حرف ناخوانا هر یک : « و - ل - ئ » هیچ علامت وجود نداشته باشد ، خوانده نمیشود به مثل اینکه اصلاً وجود ندارد.

## ۳- قواعد همزه « ء » در سه حرف « و - ا - ئ » ناخوانا « والی »:

همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (**أ - و - ئ**) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته ، خوانده نمیشود. مثلاً: قواعد همزه ، در سه جدول ذیل:

قواعد همزه « ء » در سه حرف « و - ا - ئ » ناخوانا												
<p>همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (<b>أ - و - ئ</b>) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته ، خوانده نمیشود.</p> <table border="1"><tbody><tr><td>پنجه</td><td>سَلَّ</td><td>فُؤاد</td></tr><tr><td>پنجه‌زی</td><td>تَائِلُون</td><td>يُواخِذُكُمْ</td></tr><tr><td>تبُوئی</td><td>كَاسْتا</td><td>لُونُو</td></tr></tbody></table> <p>تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »</p>	پنجه	سَلَّ	فُؤاد	پنجه‌زی	تَائِلُون	يُواخِذُكُمْ	تبُوئی	كَاسْتا	لُونُو	ء	أ	ؤ
پنجه	سَلَّ	فُؤاد										
پنجه‌زی	تَائِلُون	يُواخِذُكُمْ										
تبُوئی	كَاسْتا	لُونُو										

- بعضی از علمای علم تجوید به این نظر هستند که « الف » از فضای دهان خارج شده ، تکیه گاهی ندارد و مجرد صوت و قائم به غیر است. از جانب هم چون « الف » ساکن میباشد و بشکل تنها ای اداء نمیشود ، بنابراین اعداد حروف به شمار نمیاید.

- « الف » هیچ گاه در ابتدای کلمات قرار نمیگیرد. بنابراین « الف » که در ابتدای کلمات قرارداده میشود ، « همزه » است نه « الف »؛ به این اساس حرف اول الفبای زبان عربی « همزه » میباشد.

- «الف» حرکت را نمی پذیرد و همیشه ساکن میباشد. مثلاً: «انسَان - دار - بازار».
- حرف «الف» در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را «همزه» میگویند.
- «همزه» به شکل «ء» بوده، اکثرًا بالای سه حرف «أ - و - ئ» گذاشته میشود. مثلاً: «أُولِئِكَ - إِنْ يَشَاءُ - لُؤلُؤٌ - شَيْءٌ» و بعضًا به تنهایی «عَانِذْرَتَهُمْ» نوشته میشود.
- همزه در «آبتدا، وسط و آخر» قرار میگیرد. مثلاً: «أَذَهَبُ - سَأَلَ - قَرَأَ».
- همزه حركات سه گانه «فتحه، كسره و ضمه» را میپذیرد. مثلاً: «إِبرَاهِيمَ - أَكْتُبُ - أَكْرَمَ - الشَّيْءَ».

همزه به دو شکل یعنی «همزه وصل و همزه قطع» میباشد:

- همزه وصل: با خاطر وصل کردن دو کلمه، از وسط آنها حذف میگردد. مثلاً: «رَبُّ الْعَالَمِينَ».
- همزه قطع: در وسط دو کلمه واقع میشود و حذف نمیگردد. مثلاً: «فَلَا أَقْسَمُ».

### همزه مفتوحی چیست؟

که قبل از آن الف باشد؛ همه آن را به صورت «ئ» نوشته میشود.

مثلاً: «قرائت، دنائت، برائت».

که قبل از آن حرفی با ضمه آمده باشد؛ بر پایه «واو» نوشته میشود.

مثلاً: «مؤدب، مؤخر، مؤلف».

که قبل از آن حرفی با فتحه آمده باشد؛ بر پایه «الف» نوشته میشود.

مثلاً: «متأخر، مستackson».

## فصل هشتم

### حروف حلقی

در الفبای زبان عربی، برای شش حروف هر کدام: «همزه، هاء، عین، حاء، غین، خاء» حروف حلقی میگویند که از مخرج «حلق یا گلو» اداء، تلفظ و یا اظهار میشوند.

حروف حلقی شش بود ای با وفا  
همزه ها و عین و حا و غین و خا

### حروف حلقی

در الفبای زبان عربی؛ برای شش حروف هر کدام: «همزه، هاء، عین، حاء، غین، خاء» حروف حلقی میگویند که از مخرج «حلق» «اداء، تلفظ و یا اظهار میشوند.

ء - ه - ع - ح - غ - خ

تپهه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- مخرج حروف حلقی «گلو»: دو حرف «همزه و هاء» از «انتهای حلق یا گلو»، دو حرف «عین و حاء» از «وسط حلق یا گلو» و دو حرف «غین و خاء» از «نزدیک دهن و یا بالای حلق یا گلو» ادا و یا تلفظ میگردد.

- در قاعده اظهار:

اگر نون «ساکن» قبل از حروف حلقی واقع گردد، درآین صورت حرف «نون» بدون کدام تغییر و کشش، بلکه بشکل طبیعی، از مخرج خود اداء یا تلفظ شده و همچنان نه صدای حرف «نون» از بینی خارج میشود و نه هم «غنه» میگردد.  
**مثال: «منهم - انعمت - حَكِيمٌ خَيْرٌ».**

## فصل نهم

### حروف قطب جد «قلقله»

قلقله به معنی اضطراب، بیقراری، تکان خوردن و یا هم لرزیدن است و در علم تجویید عبارت از حرکت مختصر حروف ساکن میباشد. و یا تکان دادن مخرج حرف ساکن در حین اداء کردن، را گویند.

### حروف قطب جد «قلقله»

هر زمانیکه پنج حرف الفبای هریک: «قاف - طا - با - جیم - دال» که جمع آن بنام «قطب جد» یاد میشود، ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن «لرزه، تکان و یا جنبش» ایجاد شده، یعنی «قلقله» شده تا حرف بشکل درست از مخرج آن اداء و تلفظ شود.

«ق - ط - ب - ج - د»

تئیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- هر زمانیکه پنج حرف الفبای هریک: «قاف - طا - با - جیم - دال» که جمع آن بنام «قطب جد» یاد میشود، ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن «لرزه، تکان و یا جنبش» ایجاد شده، یعنی «قلقله» شده تا حرف بشکل درست از مخرج آن اداء و تلفظ شود. بگونه مثلاً:

- حرف «د» یا «dal» در سوره ۱۱۲: الإخلاص:  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ (۴) ».

در صورتیکه حرف «د» یا «dal» که در آخر هرچهار ایه مبارکه قرار دارد و از جمله پنج حرف قطب جد است، ساکن ساخته شود در آن وقت صدا در مخرج میلزد و قلقله میشود.

البته کوشش شود که در وقت قلقله، به حرف «dal» حرکت «فتحه، کسره و ضمه» داده نشود بلکه ساکن با مقداری «لرزه، تکان و یا جنبش» تلفظ شود تا به حرف «ت» یا «تا» تبدیل نشود. همچنان باید تذکر داد که: اگر حرف «dal» ساکن ساخته نشود و با ایه بعدی وصل شود؛ در آن صورت، قلقله نمیشود.

- حرف «ب» یا «بـ» در سوره ۱۱۱: المد :  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: « تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَالَةُ الْحَاطِبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (۵). »

اگر حرف «ب» یا «بـ» که در آخر چهار ایه مبارکه قرار دارد و از جمله پنج حرف قطب جد است، ساکن ساخته شود در آن وقت صدا در مخرج میلرزد و قلقله میشود.

البته کوشش شود که در وقت قلقله ، به حرف «بـ» حرکت «فَتْحَةُ ، كَسْرَةُ وَضَمَّةُ» داده نشود بلکه ساکن با مقداری «لرزه ، تکان و یا جنبش» تلفظ شود تا به حرف «پ» الفبای زبان دری ، تبدیل نشود.

همچنان در « سوره البقره ، ایه ۲۵ ، » ..... رُزِقْنَا مِنْ قَبْلٍ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًَا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (۲۵) »

در « رُزِقْنَا » حرف « قاف » و در « مِنْ قَبْلٍ » حرف « با » ساکن بوده ، چون این دو حرف مربوط به حروف « قطب جد » است ، باید در مخرج آن قلقله صورت گیرد.

**قلقله:** به سه شکل « قلقله کبری ، قلقله وسطی و قلقله صغیری » است و در اخیر کلمه یا وسط کلمه قرار میگیرد. « ۱ ». »

- **قلقله کبری « اکبر » :** موقوف علیه مشدد ، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در اخیر کلمه واقع شود و بالای آن وقف صورت گیرد، مشروط بر اینکه حرف مذکور مشدد باشد ، آنچا قلقله کبری صورت می گیرد. مانند: « الحق ، الحج ، وتب ». »

- **قلقله وسطی « کبیر » :** موقوف علیه مخفف، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در اخیر کلمه واقع شود، در حالیکه ساکن باشد یا بر اثر وقف حرکت آن حذف شود، آنچا قلقله وسطی صورت می گیرد. مانند: « علق ، کسب ، حسد ». »

- **قلقله صغیری :** موصول علیه ساکن ، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در وسط کلمه قرار گیرد، مشروط بر اینکه ساکن باشد؛ آنچا قلقله صغیری صورت می گیرد. مانند: « یدخلون ، قبل ، نقعا ». »

---

۱- فصل هشتم ، صفحه « ۳۴ » کتاب « حق تلاوت » محترم استاد نصرت الله « صاحبی ». »

## فصل دهم

# حروف یرملون

### حروف یرملون

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هریک :

«**ى - ر - م - ل - و - ن**»  
«**يَا - رَاءِ - مَيمِ - لَامِ - وَوْ - نُون**»

که در یک کلمه بنام «یرملون» یاد میشوند، بعد از تنوین یا نون ساکن قرار گیرد، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین در حروف یرملون، ادغام «با غُنه» و یا ادغام «بدون غُنه» میشود.

تهیه و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هریک: «**ى - ر - م - ل - و - ن**» که در یک کلمه بنام «یرملون» یاد میشوند، بعد از تنوین و یا نون ساکن قرار گیرد، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین، در حروف یرملون ادغام میشود. **مثلاً** :

- «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلُحُونَ (٥) سوره ٢: البقرة» : نون ساکن «مِنْ رَبِّهِمْ» تبدیل به حرف «راء» شده و حرف «راء» «دوبار تلفظ شود.

- «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (٨) در سوره: البقرة»: «مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ» ، حرف «نون» ساکن تبدیل به حرف «ياء» شده و «ياء» که از جمله حروف «یرملون» است، مشدد پیدا کرده و به دو «ياء» بشكل ذیل: «مَيَّقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ» تبدیل و تلفظ میشود.

- «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رِبَّ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ (٢) سوره ٢: البقرة» : تنوین حرف «د» که حرف «نون» ساکن است، به حرف «ل» تبدیل میشود به این حالت سه «ل» تشکیل شده و «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» تلفظ میشود.

- هرگاه بعد از تنوین یا نون ساکن یکی از حروف ششگانه «یرملون» قرار گیرد، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف، به دو شکل: ادغام «با غُنه» و ادغام «بدون غُنه» صورت میگیرد: توضیحات در «فصل شانزدهم، قاعدة ادغام».

## فصل یازدهم

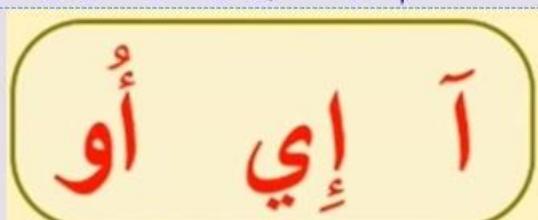
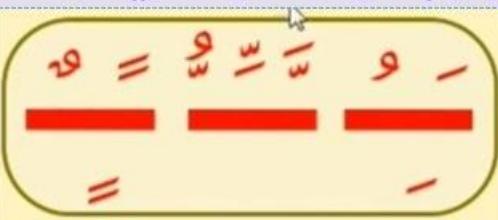
### وقف «توقف» و علامات در قرآن کریم

وقف در اصطلاح ادبیات بمعنی ایستادن ، حرکت نکردن و توقف کردن است و در علم تجوید ؛ عبارت است از قطع کردن صوت « صدا - آواز » در هنگام قرائت برای تازه کردن نفس و بخاطر آدامه قرائت بشکل « وقف اضطراری » و یا « وقف اختیاری » میباشد.

باید تذکر داد که: اگر در آخر کلمه حروف « آ - آی - او » حرکت « فتحه ، کسره و ضمه و یا تنوین - ، - / - » قرار گیرد؛ در آن صورت حرکت پیدا نکرده، بلکه ساکن تلفظ میشود و همچنان اگر بالای اخیر کلمه تنوین « نون » باشد، در آن صورت به صدای « آ » تلفظ میشود.

#### وقف «توقف»

وقف در اصطلاح ادبیات بمعنی ایستادن ، اندکی درنگ کردن و توقف کردن است و در علم قرائت؛ عبارت است از قطع کردن « صدا - آواز » در هنگام قرائت برای تازه کردن نفس و بخاطر ادامه قرائت میباشد.



مثال: اگر در آخر حروف « آ - آی - او » حرکت فتحه ، کسره و ضمه و یا تنوین « - ، - / - » قرار گیرد؛ در آن صورت حرکت پیدا نکرده، بلکه ساکن تلفظ میشود

تهیه و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

### علامات در قرآن کریم

وقف و وصل یکی از ضروریات تلاوت قرآن مجید است و در صورت عدم توجه به این اصل، معنی آیات تغیر میخورد و همچنان باید تذکر داد که در قرآن مجید ، علائمی وجود دارد که هر کدام « معنی و مفهوم خاصی » دارد.  
باید خاطر نشان ساخت که :

کسی که معنی قرآن را نمی فهمد ، بر همان مکانهایی وقف کند که در مصحف قرآن مجید ، علامتگذاری شده است.

بدون ضرورت در آنها وقف نکند ، البته در میان آنها « قبل از رسیدن به علامت » نفس قطع شود ، انگاه ناچار و اگر احياناً بنابر ناچاری وقف کرد ، باید همان کلمه را که بر آن وقف کرده است یا حتی از آن هم بالاتر اعاده کرده با کلمه وصل کند...

### ۱- علامت « صلی » :

وصل کردن ، صلاح است و یا وصل کردن؛ اولی « حق » است و یا وصل کردن بهتر از وقف است. مثلاً :

**- أُولَئِكَ عَلَى هُدَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵) سوره ۲ : البقرة :**

بعد از کلمه « رَبِّهِمْ » ، علامت « صلی » آمده ، ما میتوانیم که وقف کنیم ، ولی ؛ اگر بدون توقف به خواندن آدامه داده شود ، بهتر است.

### ۲- علامت « قلی » :

وقف کردن؛ لازم و یا بهتر است و یا وقف کردن « حق » است. مثلاً :

**- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمُنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۚ إِلَّا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلِكُنْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳) سوره ۲ : البقرة .**

در آخر کلمه « السُّفَهَاءُ » چون علامت « قلی » آمده ، باید وقف کرده و بعداً به خواندن و یا قرائت آدامه داده شود.

### ۳- حرف « ج » وقف جائز است :

در وقف جائز و یا جواز طرفین ؛ برای قرائت کننده اجازه است که با دیدن این علامت ، وقف کند و یا هم میتوان وصل نماید. مثلاً:

**- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَابًا (۳) سوره ۱۱۰ : النص .**

در آخر کلمه « وَاسْتَغْفِرْهُ » علامت « ج » آمده در آنجا بشكل اختیاری میتوان وقف کرد و یا هم به خواندن یا قرائت آدامه داد.

### ۴- علامت « لا » وقف منوع است :

وقف منوع است و یا نباید وقف کرد ؛ صرف در صورت ضرورت. اگر از روی ضرورت در این محل وقف شود، باید از محل مناسب ما قبل آن به قرائت آدامه داده شود.

مثلاً : **الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۝ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲) سوره ۱۶ : النحل** : در آخر کلمه « طَيِّبِينَ » ، علامت « لا » آمده ، در آنجا نباید وقف کرد بلکه به قرائت یا خواندن آدامه داده شود.

##### ۵- علامت «س» سکته :

علامت «س» بمعنی سکته است . یعنی در قرائت وقف نمیشود، بلکه تنفس در آن به اندازه دو حرکت ، نگاه شده و بعداً به قرائت آدامه داده میشود ».

مثالاً : - **كَلَّا بِرَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٤) سوره ٨٣ : المطففين».**

در آخر کلمه «**كَلَّا**» ، حرف «**سین**» کوچک قرار گرفته است ، در این حالت باید در کلمه «**كَلَّا**» ؛ به اندازه دو حرکت ؟ سکته شود و بعداً کلمه «**بَلْ**» خوانده شود.

##### ۶- علامت «م» نیمه :

این علامت بیان کننده وقف الزامی است . «اگر به وصل خوانده شود، بیم تغییر معنی میرود». مثلاً:

**- فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلَمُونَ (٧٦) سوره ٣٦ :يس».**

در کلمه «**قَوْلُهُمْ**» بعد از حرف «**میم**» ، علامت «**میم نیمه**» امده که باید در آنجا وقف و یا نفس کوتاه گرفت و بعداً از کلمه «**إِنَّا**» ، بخواندن شروع کرد.

##### ۷- علامت «م» کوچک :

در قاعده «اقلاب» ؛ هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین حرف «**بآ**» بباید ، در آن صورت حرف «**نون**» به حرف «**میم**» تبدیل میشود که این علامت در اکثر مصحف قران کریم ، مدنظر گرفته شده است. مثلاً :

**- إِذَا نَبَعَتْ أَشْقَالَهَا (١٢) سوره ٩١ : شمس»:**

مثالاً : در کلمه «**إِذَا نَبَعَتْ**» بالای حرف «**نون ساکن**» علامت «**میم کوچک**» امده ، به اساس قاعده اقلاب چون بعد از نون ساکن حرف «**بآ**» آمده **بنا** حرف «**نون**» تبدیل به حرف «**میم**» میشود.

##### ۸- علامت «ا» الف کوچک :

هر زمانیکه «الف» کوچک بالای یک حرف قرار گرفت، باید آن حرف به مثل حرف اصل «الف» ؛ به اندازه «دو حرکت» کش داده شود.

مثالاً : - **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١) سوره ١ : الفاتحة :**

در کلمه «**الرَّحْمَنِ**» بالای حرف «**میم**»، علامت «الف کوچک» گذاشته شده است، در این حالت حرف «**میم**» به اندازه دو حرکت کش داده شود و بعداً حرف «**نون**» خوانده شود.

##### ۹- علامت ص «وقف مرخصت» :

این علامت بیان میکند که در ایات طولانی چون امکان کم آوردن نفس وجود دارد ، بناً اجازه است تا توقف کرده و دوباره از جای مناسب به قرائت آدامه داده شود.

##### ۱۰- علامت قف «توقف و یا وقف مطلق» :

باید توقف شود و اگر امکان نداشت، اجازه است که آدامه داده شود .

## ۱۱- علامت «ز» وقف محوّز:

این علامت بیان میکند که وقف جایز است . ولی اگر وصل شود، بهتر خواهد بود .

## ۱۲- علامت ق «وقف» :

باید وقف شود ، اگر وصل هم شود کدام مشکل نیست . مثلاً: **أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ** و**أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵) سوره ۲: البقرة**

## ۱۳- علامت ع «ركوع» :

علامت «عین» نشان دهنده آن است که قسمت اول و یا حصه اول به پایان میرسد و حصه بعدی شروع میشود . مثلاً: در صورتیکه در جریان نماز باشد، و به این ایه تلاوت رسیدید ، قبل از اینکه آدامه داده شود ، باید رکوع کرد .

## ۱۴- علامت ط «وقف مطلق» :

این علامت نشان دهنده آن است که جمله ختم شد، ولی مطلب آدامه دارد ، بهتر است که وقف شود بخاطر اینکه موضوع بحث تمام شده است .

## ۱۵- علامت مد «آ»:

معنی کشیدن ، دراز کردن و یا طولانی کردن یا امتداد صوت «آواز» در حروف مدی «آ - و - ئ» میباشد. مثلاً:

**وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** « ۳۰ » سوره ۷۶: الإنسان .  
در کلمه «تَشَاءُونَ» بالای حرف «الف» مد واقع شده ، و باید حرف «الف» حداقل به اندازه دو حرکت کش داده شود.

## ۱۶- علامت «\*» «ربع» :

تعام قرآن کریم به سی پاره یا جز تقسیم شده و هر جز به چهار ربع تقسیم شده و هر بخش آن یک ربع میباشد. هروقتیکه یک ربع خلاص میشود ، آخر آیه به این علامت، نشانی میشود .

مثلاً : - **أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) سوره ۱۰۰ : العاديات** » .

همچنان باید خاطر نشان ساخت که : این علامت نشان دهنده آن است که یک ربع از پاره قرآن کریم تکمیل شده و حال ربع جدید آغاز شد. بنابراین علامت کدام تغیر در تلاوت به میان نیاورده ، فقط یاددهانی ربع میباشد.

## ۱۷- علامت ( :: ) وقف معانقه و یا مراقبه:

این علامت بر روی دو کلمه نزدیک به هم قرار میگیرد ، نباید روی هر دو محل وقف شود ، بلکه فقط در یک محل وقف صورت گیرد .

# ذَلِكَ الْكِتَابُ لَأَرِبَّ فِيهِ هُدًى

وقف معانقه یا سه نقطه ( :: .. ) عالیم وقف است و بالای یکی آن میتوان وقف کرد. اگر روی سه نقطه اول وقف صورت گیرد ، در آن صورت نباید بالای سه نقطه دوم وقف کرد.

ضمناً اجازه است که بالای هیچکدام آن توقف صورت نگیرد و با وصل کردن ، از آن گذشت یا عبور کرد.

اما در صورتیکه وقف مینماید؛ بناً بخاطر اینکه معنی کلمه تغیر نخورد ، بهتر است تا بالای سه نقطه دومی، وقف صورت گیرد.

بطور مثال: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبٌ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» «ایه ۲، سوره البقره » .

## ۱۸ - علامت سجده یا سجدہ تلاوت « ﴿ ﴾ :

سجدہ تلاوت که بنام سجدہ عزیمه نیز یاد میشود، در آخر پانزده ایات قران کریم آمده است که به سبب تلاوت ؛ قرآن کننده ، مکلف به سجده تلاوت میشود.

مثالاً در ایات مبارکه ذیل :

۱- إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿۲۰۶﴾ سوره ۷ : الأعراف .

۲- وَلَهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ ﴿۱۵﴾ سوره ۱۳ : الرعد .

۳- يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فُوقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ ﴿۵۰﴾ سوره ۱۶ : النحل

۴- وَيَخِرُّونَ لِلأَدْفَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿۱۰۹﴾ سوره ۱۷ : الإسراء

۵- أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ مِنْ ذُرَيْةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحَ وَمِنْ ذُرَيْةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَنَّلَّ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَّوْا سُجَّدًا وَبَكَيْا ﴿۵۸﴾ سوره ۱۹ : مریم

۶- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالجَبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنَ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ ﴿۱۸﴾ سوره ۲۲ : الحج

۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكُعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعُلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۷۷﴾ سوره ۲۲ : الحج

٨ - وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنْسِجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَرَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ سورة ٢٥ : الفرقان

٩ - اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ سورة ٢٧ : النمل

١٠ - إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾ سورة ٣٢ : السجدة

١١ - قَالَ لَقَدْ ظَلَمْتَنِي سُؤَالَ نَعْجَنَةٍ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ بِوْظَنَّ دَائِرُوا أَنَّمَا فَتَنَاهُ فَاسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾ سورة ٣٨ : ص

١٢ - فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ سورة ٤١ : فصلت

١٣ - فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾ سورة ٥٣ : النجم

١٤ - وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ سورة ٨٤ : الانشقاق

١٥ - كَلَّا لَا تُطْعِهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾ سورة ٩٦ : العلق

## فصل دوازدهم

### علامت ساکن «سکون»

ساکن در اصطلاح ادبیات بمعنی «بی حرکت، بی صدا و آرام» و یا عدم حرکت در چیزی است و در علم تجوید عبارت از فُقدانِ حرکت میباشد و به دو شکل، بالای حرف قرار میگیرد.

#### علامت ساکن «سکون»

ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد نشان دهنده آن است که آن حرف از خود هیچ حرکت نداشته و به تنها خوانده نمیشود؛ بلکه باید به کمک حرکت حرف «ماقبل» خود، خوانده شود.

۵

نهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد بیانگر آن است که آن حرف، از خود هیچ حرکت ندارد.
- ساکن به تنها خوانده نمیشود، بلکه باید با کمک حرکت حرف «ماقبل» خود، خوانده شود.  
مثالاً: در «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ» حرف «يَا» - لام و غین «» علامت ساکن «صفر» دارد که در این حالت حرف «يَا» با حرکت فتحه حرف «غین» خوانده شود و به همین ترتیب حرف ساکن «لام» با حرکت كسره «راء» و حرف ساکن «غین» با حرکت فتحه حرف «میم» خوانده شود.
- اگر بالای پنج حرف قطب جد «ق - ط - ب - ج - د» «علامت ساکن قرار بگیرد، از مخرج همان حرف، صدارها شده و کمی لرزش کوتاه «قلقه» میشود و در متنباقی «23» حروف الفبای زبان عربی، صدا قطع میشود.
- هرگاه در یک کلمه دو ساکن پشت سرهم قرارگیرد در آن صورت برای ساکن اول؛ حرکت كسره داده شده و خوانده میشود. مثلاً: «هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا» حرف تنوون نون «راء» ساکن و حرف «الف» هیچ حرکت ندارد از حروف ناخوانا است و حرف «ه» نیز ساکن است. که به این ترتیب حرف «ه و ن» دو ساکن میباشد.  
بنابراین حالت برای حرف تنوین «راء» حرکت كسره داده شده و خوانده میشود.

## فصل سیزدهم

### علامت تشید «شدت و یا مشدد»

تشید : در اصطلاح ادبیات زبان بنام «قوی کردن» است و بالای هر حرف که قرار گیرد، آن حرف باید دوبار «مشدد» تلفظ و یا خوانده شود.

### علامت تشید «شدت و یا مشدد»

تشید : از «شدت و یا بیشتر شدن» گرفته شده ، معمولاً با علامت «فتحه»، «کسره» و «ضمه» میباشد و بالای هر حرف که قرار بگیرد ؛ آن حرف باید «دوبار» خوانده شود .



تهیه و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

- تشید از «شدت و یا بیشتر شدن» گرفته شده ، معمولاً با علامت «فتحه»، «کسره» و «ضمه» میباشد و بالای هر حرف که قرار بگیرد؛ آن حرف باید «دوبار» سخت و به شدت خوانده شود.

- تشید یک بار با کمک «حرکت ماقبل» و یکبار با «حرکت خود» ؛ خوانده میشود. مثلاً: اصل کلمه «ربب» است. ولی با خاطر زیبایی در مصحف قران کریم ، به عوض دو حرف «باء» یک حرف «باء» با علامت تشید گذاشته میشود. البته حرف اولی ساکن میباشد و حرف دومی حرکت ، دارد. مثلاً: رَبِّ الْعَالَمِينَ «ربب».

- تشید اگر در یک کلمه؛ یک حرف دوبار در کنار هم قرار گیرد. مثلاً: «ربب» که اولی «ساکن» و دومی «متحرک» باشد ، در آن صورت حرف اول را کم کرده و بالای حرف دوم علامت تشید «ربب» گذاشته میشود.

- تشديد نمایندگی از دو حرف مشترک «دو حرف هم شکل و هم مثل» میکند که اولی ساکن و دومی متحرک بوده و حرف اول ساکن به کمک حرکت «ما قبل» خوانده میشود. یعنی : « اولی در دومی، ادغام میشود و یا به عبارت دیگر ؛ برای خواندن تشید از آخرین حرکت ماقبل کمک گرفته شود.

بگونه مثال: در کلمه «رب» بـشکل ذیل «رب» است ؛ حرف «ب» اول ساکن و حرف «ب» دوم حرکت فتحه دارد. چون حرف «ب» اول ساکن است و هم از جمله پنج حرف «قطب جد» میباشد ، بنابراین وقت خواندن باید در مخرج آن «قلقه» یعنی تکان داده شود. مثلاً : سوره ۱۱۱ : المسد :

« تَبَّتْ يَدَا أُبَيِ لَهَبَ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَأَمْرَأَتُهُ حَمَالَةُ الْحَطَبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (۵). »

- اگر بالای حرف «میم و نون» تشید باشد با غنّه ، تلفظ میشود.  
مثلاً «کلُّ أَنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ».

- تشید اگر در ابتداء ایه قرار بگیرد، خوانده نمیشود و صرف حرکت تشید قابل تلفظ میباشد.

اما در صورتیکه اگر آخر ایه ماقبل ، به شروع آیه وصل گردد؛ در آن وقت تشید قابل خواندن میباشد.

## فصل چهاردهم

### احکام «نون ساکن و تنوین»

#### ۱- نون ساکن:

- **نون ساکن:** نونی را گویند که حرکت «فَتْحَةُ، كَسْرَةُ وَ ضَمَّةُ» یعنی «زیر، زیر و پیش» نداشته و در وسط و یا در آخر «اسم و یا فعل» واقع میشود.

#### احکام «نون ساکن»

نون ساکن : در «وسط و آخر کلام» می آید و در «وصل و وقف» نوشته می شود. مانند : «لأنْضُوا - مِنْهُمْ - عَامِنْ - يَنْظَرُ إِلَيْكُمْ - نَقُولُ لَهُمْ كُنْ ». .

#### ن - «يَنْتُونَ ، يُنْصَرُونَ مِنْ»

تهیه و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

- **نون ساکن:** در لغت «نون» خالی از حرکت را گویند و در اصطلاح تجوید، «نونی» را گویند، که سکونش در حالت «وقف و وصل» و همچنان در «لفظ و درخط» ثابت، باشد. ولی تنوین فقط در «لفظ» است، نه در «خط» و همچنان نون ساکن، همیشه «غَنَّه» میشود.

- **نون ساکن :** به شکل «فَمَنْ» نوشته می شود. اما نون تنوین : نوشته نمی شود؛ بلکه بجای آن «دو فَتْحَةُ، دو كَسْرَةُ وَ دو ضَمَّةُ» نوشته «گذاشته» می شود.

- **نون ساکن:** در حالت «وقف و وصل» خوانده میشود مانند : «يَنْتُونَ - فيقول ربى اكرمن - وَ مَنْ قَالَ سَائِنْزَلْ» اما نون تنوین تنها در حالت «وصل» خوانده میشود مانند: «آَحَدٌ». .

- نون ساکن: در «اسم، فعل و حرف» می‌آید مانند: «انفسهم يُنصَرُونَنِ» ، مگر نون تنوین صرف در اسم قرار می‌گیرد: «عَذَابٌ».

- نون ساکن: همیشه در «وسط و آخر» کلمه می‌آید ، مانند: «يَنْتُونَ» «فَمَنْ» اما نون تنوین صرف در «آخر» کلمه می‌آید . مانند: «عَذَابٌ».

- نون ساکن: در مجاورت با هر یک از حروف الفبا که پس از آن واقع شوند، یکی از چهار حکم زیر را پیدا می‌کند: «۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اقلاب ۴ - اخفاء ».

## ۲- انواع تنوین:

- تنوین: نون ساکن است که تنها در آخر «اسم» واقع شود ، ولی نوشته نمی‌شود و به عوض آن از علایم «دو زیر ، دو پیش» « == = » استفاده بعمل می‌اید .

### احکام «تنوین»

تنوین فقط در آخر بعضی از کلمه می‌اید که خوانده می‌شود ، ولی بشکل «نون» نوشته نمی‌شود البته در میان کلام تلفظ می‌شود. اما در حالت وقف، حذف می‌گردد. مثلاً: «كتابا - كتاب - كتاب»



تھیہ و ترتیب کننده : ب «سعیدی»

- تنوین: فقط در آخر بعضی از کلمه می‌اید که خوانده می‌شود، ولی بشکل «نون» نوشته نمی‌شود، البته در میان کلام تلفظ می‌شود. اما در حالت وقف، حذف می‌گردد.

باید خاطر نشان ساخت که: تنوین‌ها ترکیبی از یک حرکت کوتاه و یک «نون» سکون دار می‌باشند. مثلاً: «كتاباً - كتاب - كتاب».

- تنوین: در لفظ از حرف «نون» گرفته شده و یعنی آوردن «ن» به شکل «دو فتحه ، دو کسره و یا دو ضمه» می‌باشد.

- برای خواندن تنوین، از علامت حرف قبلی استفاده شده و صدای « نون » ساکن بالایش اضافه میشود. مثلاً: اصل « رَجُلٌ » بوده و در مصف به شکل ذیل: « رَجُلًا » نوشته و خوانده میشود.

**- تنوین:** نون ساکنی است که در آخر برخی از کلمات نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود که به «سنه گونه» است:

- **تنوین «نصب»:** دو فتحه است که «بالای» حرف قرار میگیرد. مثلاً: «رَجُلًا» خوانده مشود و در اصل «رَجُلْنَ» میباشد.

- تنوین « جَ »: دو گَسْرَه است که در « زِير » حروف قرار می‌گیرد. مثلاً: « خُسْرَ » خوانده می‌شود و در اصل « خُسْرُنْ » می‌باشد.

- **تنوین «رُفْعٌ»:** دو ضمَّهْ است که بالای حرف قرار می‌گرد. مثلاً: «**حَبْلٌ**» خوانده می‌شود و اصل آن «**حَلْنٌ**» می‌باشد.

## احكام «نون ساكن و تنوين» قاعدۃ «اظہار، ادغام، اقلاب و اخفاء»

نون ساکن و تنوین : در حروف حلقی « اظهار » ، در حروف یَرْمَلُون « ادْخَام » و در حرف « باء » اقلاب « قلب به میم » و در متنباقی حروف الفباء زبان، اخفاء میگردد.

شماره	قاعدة	تعريف	مثال
۱	اظهار	نون ساکن و تنوین: در حروف حلقی « ۵ - ۶ - ع - ح - غ - خ » بدون تغیر، اظهار می‌شود.	من امّرهم
۲	ادغام	نون ساکن و تنوین: در حروف یرمدون « ی - ر - م - ل - و - ن » با غنّه و بی غنّه ادغام می‌گردد.	من یشاء
۳	اقلاب	اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « با » قرار گیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل یا اقلاب می‌شود. « البتہ با غنّه دو حرکت ».	من بعْدِ میثاقِه
۴	اخفاء	نون ساکن و تنوین: در « پانزده حروف » متباقی الفبای اخفا شده و صدا در بینی کمی کشش پیدا می‌کند.	إنْ كُنْتُمْ صادقين

**حروف قطب جد:** «**فَـ طَـ بَـ جِيمَـ دَـ**» اگر ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن میلرزند یعنی **قلقه** «مشود. مثلا: «رُزْقًا مِّنْ قَبْلٍ».

**- نون ساکن و تنوین :** در حروف حلقی « اظهار »، در حروف یَرْمَلُون « ادغام » و در حرف « ب » « اقلاب » « قلب به میم » و در متنباقی حروف الفبای زبان ، اخفاء میگردد، چنانچه سروده اند:

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار  
کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار  
در حرف حلق اظهار کن، در یَرْمَلُون ادغام کن  
در حرف باء قلب به میم ، در مابقی اخفا بیار

**- تنوین « أ »:** در حالت وقف، تبدیل به « آ » میشود و در حالت وصل ؛ یکی از احکام چهارگانه « ۱ - اظهار ۲ - ادغام ۳ - اقلاب ۴ - اخفاء » تطبیق میشود.

**یادداشت :**

**- نون ساکن :** اگر در مصف قرآن کریم ؛ حرف نون « ن » علامت سکون « نْ » داشت در آن صورت از مخرج خود با صدای « نون » اظهار میشود و اگر حرف « نون » علامت سکون نداشت ، در آن صورت صدای آن مخفی « اخفا » شده و از مخرج بینی خارج میشود. مثلاً : « يُنْفِقُونَ » .

**- تنوین:** اگر در مصف قرآن کریم ؛ علامت تنوین « أ » ، هر دو سر بر سر گذاشته شده باشد ، در آن حالت نون ، اظهار میشود و اگر تنوین بشکل جدا و فاصله دار گذاشته شده باشد، در آن حالت تنوین اخفا میشود.

مثلاً : « مَثَلُهُمْ كَمَثَلَ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاعَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۱۷) سوره البقرة .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹) سوره البقرة .

## فصل پانزدهم

### قاعده اظهار

اظهار در اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن ، اشکار کردن ، پدیدار کردن و بیان کردن » است و در علم تجوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از مخرج اصلی ، آن میباشد.

**قاعده اظهار:** اگر نون ساکن و یا تنوین قبل از حروف حلقی ششگانه هر کدام : « ھ - ء - ع - ح - غ - خ » قرار گیرد ، در آن صورت حرف نون ساکن و یا تنوین ، بدون کدام تغییری از مخرج اصلی خود اداء و یا تلفظ میگردد.

بطورمثال: « من امرِھم - مِنْھُمْ - انعمت - حَكِيمٌ خَبِيرٌ - سَمِيعٌ عَلِيٌّ - حَكِيمٌ حَمِيدٌ ».

### قاعده اظهار

اظهار در اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن ، اشکار کردن ، پدیدار کردن و بیان کردن » است و در علم تجوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از « مخرج » اصلی ، آن میباشد.

حروف حلقی: « ھ - ء - ع - ح - غ - خ »

تنوین	نون ساکن	
جُرْفٌ هَلْ	مِنْھُمْ	ھ
حَقِيقٌ عَلِيٌّ	مِنْ عَلِيٍّ	ع

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- در **قاعده اظهار:** اگر نون ساکن و یا تنوین به حروف حلقی قرار گیرد ، در آین صورت حرف « نون » بدون کدام تغییری شکل ، از مخرج خود اداء یا تلفظ شده و همچنان نه صدای حرف « نون » از بینی خارج میشود و نه هم « غَنَه » میگردد.

- در **قاعده اظهار:** نون « ساکن » در یک و یا دو کلمه جدآگانه قرار میگیرد ، در حالیکه نون ساکن در قاعدة ادغام ؛ باید در دو کلمه جدآگانه باشد.

## فصل شانزدهم

### قاعدۀ ادغام

**قاعدۀ ادغام:** ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تجوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام «یرملون» داخل میشود.

### قاعدۀ ادغام

قاعدۀ ادغام: ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تجوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام «یرملون» داخل میشود.

**حروف یرملون:** «ياء - راء - ميم - لام - واو - نون»

تنوين	هُدَى لِلْمُتَّقِينَ - غَفُورٌ رَّحِيمٌ - حَمْرَادَة لِلشَّارِبِينَ
نون ساکن	مَنْ يَقُولُ أَمْثَا بِاللهِ - مَنْ رَبَّهُمْ - مَنْ مَالَ اللَّهَ

نهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- حروف ادغام: شش حرف هریک: «ي - ر - م - ل - و - ن» حروف ادغام بوده که بنام «یرملون» نیز یاد میشود.

- قاعدۀ ادغام: هر زمانیکه نون ساکن و یا تنوین، در یک کلمه و حرف «یرملون» در دیگر کلمه قرار گرفت، در آن صورت نون ساکن و یا تنوین تلفظ و یا خوانده نمیشود، بلکه آن حرف نون ساکن، به حرف «یرملون» که در کلمه دوم قرار دارد، تبدیل میگردد.

- شرط قاعدۀ ادغام آن است که «نون ساکن و یا تنوین» در دو کلمه جداگانه قرار گیرد. بطورمثال: **سورة ۲: البقرة**: **ذِلِكَ الْكِتَابُ لَا رَبِّ لَهُ بِهِ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ (۲)** «هُدَى لِلْمُتَّقِينَ». ضمناً باید تذکر داد که: نون ساکن در این چهار کلمه «دُنْيَا ، بُنْيَان ، قُنْوان ، صِنْوان» استثنائی بوده و در این حالت صرف قاعده «اظهار» صورت میگیرد.

- اگر نون ساکن و حرف ادغام در یک کلمه قرار گیرد در آن صورت ادغام نمیگردد.

**- اشکال ادغام:** هر گاه بعد از تنوین یا نون ساکن، یکی از حروف ششگانه بنام «یرملون» قرار گیرد، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف، به دو شکل ادغام میگردد. **مثال:** ادغام «با غنه» و ادغام «بدون غنه».

**- ادغام با غنه:** غنه صوتی است که از بینی «خیشوم» بیرون میاید و هر وقت با چهار حرف «ی - و - ن - م» یعنی «یومن»، بعد از نون ساکن و یا تنوین قرار گیرد، ادغام «با غنه» صورت میگیرد.  
**مثال:** «من یشاء - من ماء - من ولی و غیره».

البته باید تذکر داد که: ادغام کامل غنه دار برای دو حرف «میم و نون» میباشد و همچنان هنگام ادغام باید «مد» آن به اندازه‌ی دو حرکت کشیده شود.  
**مثال:** «من نفعهمَا - من ماء».

**- ادغام بدون غنه:** دو حرف هریک: «ر - ل» یعنی «لر»، هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین این دو حرف باید در آن صورت ادغام «بدون غنه» واقع میشود که این ادغام را ادغام کامل میگویند. **مثال:** «من لدنا - من ربُّم - وَيُوتِ من لَدْنَهُ أَجْرًا عَظِيمًا - هُدَى لِلْمُتَّقِينَ».

۱- تبدیل تنوین به قاعده ادغام: **هُدَى لِلْمُتَّقِينَ** «سوره البقرة، آیه ۲».

- حرف «ه» «ضمه»، حرف «د» تنوین یعنی از دو حرف «د - ن» تشکیل شده، حرف «ی» از جمله حروف ناخوانا است «خوانده نمیشود» و حرف «ل» «تشدید مشدد» یعنی دو حرف «ل-ل» دارد و از حروف «یرملون» است، که به این ترتیب با هم خوانده میشود.

- حرف «ه» باید با حرف «د» و حرف «د» با حرف «نون ساکن» به همین ترتیب با حرف «ی» و حرف «ی» باید با حرف «ل» و ... خوانده شود.

**در این صورت:** چون حرف «ی» حركت ندارد و از جمله چهار حروف ناخوانا «و - ا - ل - ی» بنام «والی» است، بنابراین خوانده نمیشود و حرف «د» باید با تنوین «نون» خوانده شود.

- چون حركت حرف «ل» تشدید دارد و تشدید باید یکبار با حركت ما قبل خود یعنی حرف «ی» خوانده شود، چون حرف «ی» حركت ندارد، بنابراین با حرف «نون ساکن» خوانده شود.

- از اینکه حرف «د» تنوین «ن» دارد و متعاقباً حرف «ل» «امده»، و حرف «ل» از جمله شش حرف «یرملون» «ی - ر - م - و - ن» است؛ در این صورت تنوین «د» حركت تنوین «نون» خود را از دست داده و تبدیل به حرف «یرملون» «ل» میشود.  
**مثال:** «هُد» یعنی «هدن» متشکل از «د» و «ن» میباشد در این حالت حرف «ن» تبدیل به حرف «ل» شده و مکمل آن «هـل» تلفظ و یا خوانده میشود.

همچنان باید افزود: چون حرف «ل» تشدید دارد یعنی «اولی ساکن و دوم حرکت دارد» به این اساس حرف ساکن تشدید باید یکبار با حرکت ما قبل و یکبار با حرکت خود «ل» خوانده شود.

مثالاً: سوره ۲: البقرة ایه «۲» :

**ذِكْرُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)** «**هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**» به شکل ذیل است : تنوین «د» که حرف «نون» ساکن است به حرف «ل» تبدیل میشود به این حالت سه «ل» تشکیل میشود. مثلاً: «**هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**».

۲- تبدیل نون ساکن به قاعده ادغام:

«**مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ**، سوره البقرة، ایه ۸».

- حرف «م» حرکت فتحه، حرف «ن» ساکن و حرف «یا» حرکت فتحه دارد.
- حرکت حرف «م» باید با حرکت حرف «ن» خوانده شود، چون حرف «ن» حرکت ندارد و ساکن است و ساکن خود با حرکت ما قبل خود خوانده میشود و از جانب هم بعد از آن حرف «یاء» آمده و مربوط به حروف «یرملون» است، بنابراید قاعده ادغام صورت گیرد.
- در قاعده یرملون: «نون» ساکن تبدیل به حرف «یا» شده در این حالت باید دو «یاء» که اولی ساکن و دومی فتحه دارد، تشکیل شود.
- بنابراین «یاء» ساکن به کمک حرکت حرف «میم» و حرف «یاء» دوم به حرکت خود، مستقل خوانده شود.

مثالاً: در سوره ۲: البقرة ایه «۸» :

**وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)**

«**مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ**»، حرف «نون» ساکن تبدیل به حرف «یاء» شده و «یاء» که از جمله حروف «یرملون» است، مشدد پیدا کرده و به دو «یاء» پشكل ذیل: «**مَيَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ**» تبدیل شده و قاعده ادغام صورت میگرد.

## فصل هفدهم

### قاعدۀ اقلاب « قلب به میم »

اقلاب « قلب به میم » : در اصطلاح ادبیات تغیر و یا تبدیل کردن را گویند و در علم تجوید عبارت از تبدیل حرف « نون ساکن و نون تنوین » به حرف « میم » است . البته در صورتیکه بعد از آنها حرف « با » قرار داشته باشد.

### قاعدۀ اقلاب « قلب به میم »

در قاعدۀ « نون ساکن »: اگر حرف « با » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد در آن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود .  
بطور مثال: من بعْدَ مِثَافِه... به « م بعْدَ مِثَافِه » تبدیل میشود و قاعدۀ اقلاب صورت میگرد .

تنوین	نون ساکن	
سمیع بصری	آن بُورك	ب
شهید بینی	من بعْد	ب
زوج بھیج	يُؤْمِن بالله	ب

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

- اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « با » قرار گیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل میشود. مثلاً: در زبان ادبیات دری « زنبور » نوشته شده و « زمبور » خوانده میشود.

- در قاعدۀ اقلاب، مخرج « میم » همراهی « با » و مخرج « میم » همراهی « نون » در « غنّه » مشترک بوده و همچنان در صورتیکه بعد از نون ساکن و یا تنوین، حرف « ب » باید در آن حالت آن حرف به حرف « میم » تبدیل شده و « غنّه » میشود. مثلاً:

- در قاعدۀ « نون ساکن »: اگر حرف « با » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد در آن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود .

بطور مثال : سوره ۹۸: البینة ایه « ۴ » : « وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (۴) در « مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ »

من بَعْدٍ ... به «مِمْ بَعْدٍ» تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد.

- در قاعده «نون تنوین»: أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا ... به «أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا» تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد.

مثالاً: «أَلِيمٌ» به این شکل «أَلِيمِن» است ، چون بعد از آن حرف «بَا» قرار دارد باید قاعده اقلاب صورت گیرد که به این ترتیب حرف «نون» به حرف «میم» «تبدیل میشود و بشکل دو «میم» با «غنه» دو حرکت، خوانده شود.

مثالاً: «أَلِيم».

- در بعضی از مصحف قرآن کریم ؛ علامت «م» کوچک ، در بالا و یا پائین نون ساکن و تنوین گذاشته میشود ، که هدف از آن انجام دادن قاعده اقلاب میباشد.

مثالاً:

- إِذْ أَنْبَعْثَ أَشْقَاهَا (۱۲) «سوره ۹۱ : شمس»

- كَلَّا لِيُنْبَذَ فِي الْحُطَمَةِ (۴) «سوره ۱۰۴ : الهمزة».

## فصل هژدهم

### قاعدۀ اخفاء

اخفاء: در اصطلاح ادبیات به معنی «خفیف، پوشاندن و مخفی کردن» است و در اصطلاح علم تجوید؛ پنهان یا اخفاء کردن صدای نون ساکن یا تنوین در مخرج خیشوم «راه تنفسی بینی»، به اندازه «دو حرکت» میباشد.

### قاعدۀ اخفاء

هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین، حروف سه قاعدة هریک: حروف حلقی «قاعدۀ اظهار»، حروف یرملون «قاعدۀ ادغام» و حرف «بآ» «قاعدۀ اقلاب» قرار نداشته باشد؛ در آن حالت قاعدة چهارم بنام «قاعدۀ اخفاء» با متنباقی «پانزده حروف» الفبای عربی، صورت میگیرد. مثلًا: «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

تنوین	نون ساکن	
رِيَاحٌ صَرْصَرًا	يَنْصُرْكُمْ	ص
قَوْمًا ضَالِّينَ	مَنْ ضَلَّ	ض
حَلَالًا طَيِّبًا	أَنْطَلْقُوا	ط

تهیه و ترتیب کننده: ب «سعیدی»

- هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین، حروف سه قاعدة هریک:

حروف حلقی «قاعدۀ اظهار»، حروف یرملون «قاعدۀ ادغام» و حرف «بآ» «قاعدۀ اقلاب» قرار نداشته باشد؛ در آن حالت قاعدة چهارم بنام «قاعدۀ اخفاء» با متنباقی «پانزده حروف» الفبای عربی، صورت میگیرد.

- در قاعدۀ اخفاء: نون «ساکن» با مثل قاعدۀ اظهار در يک و يا دو کلمه جداگانه، قرار میگیرد، در حالیکه نون ساکن در قاعدۀ ادغام؛ باید در دو کلمه جداگانه باشد. مثلًا: «مِنْ تَأْوِيلَ - مِنْ قَالَ - مَنْ ضَلَّ - أَنْتَمْ - الْمَنْصُورُونَ - مَنْضُودٌ - أَنْفُسَهُمْ - غَلَامًا زَكِيَا». .

- در قاعدة اخفاء : صدای « نون » بدون اینکه از دهن خارج شود ، از مخرج بینی اداء شده و به صدا « نون » در بینی کمی کشش داده شده و متعاقباً حرف بعدی آن تلفظ میشود.

مثال : در « إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ... أَيَهُ (٣١) سورة ۲ : البقرة » :  
چون بعد از حرف نون ساکن ، حرف « کاف » قرار دارد و حرف « کاف » مربوط به قاعدة « اظهار ، ادغام و یا اقلاب » نیست ، در این حالت باید قاعدة چهارم یعنی « اخفاء » صورت گیرد .

یعنی صدای حرف نون ساکن بدون کدام تغیر از مخرج دهن نه ، بلکه از مخرج بینی با صدای کمی کشیده خارج شود .

همچنان باید تذکر داد که : همین قاعدة بعد از حرف « کاف » با نون ساکن و حرف « تاء » نیز قابل اجرا بوده و قاعدة اخفاء صورت میگیرد .

## فصل نزد هم

### أحكام حرف «میم» ساکن و مشدد

حرف م «میم» از جمله بیست و هشت حروف الفبای زبان عربی است؛ که مخرج آن ما بین «دولب» بوده که بنام حروف «شفوی، لبی» یاد میشود و داری چهار شکل و یا قاعده ذیل: «غنه، ادغام، اخفاء و اظهار» میباشد.

۱- غنه: بردن آواز در بینی و یا صدایی خیشوم را «غنه» گویند؛ البته در احکام حرف «میم» هر زمانیکه بالای حرف «میم»؛ علامت «مشدد یا تشديد» قرار گرفت، در آن صورت حرف «میم» غنه شده و صدای آن از مجرای بینی خارج شده و به اندازه یک ثانیه کش داده میشود که این قاعده را بنام «غنه» یاد مینمایند.

مثالاً: در سوره ۱۱۱: المسد ایه ۴: «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ» .  
بالای حرف میم «حمالة»: علامت «تشديد یا مشدد» با حرکت فتحه «زیر» قرار گرفته باید صدای آن در مخرج خیشوم «بینی» غنه شود، که معلومات مفصل در فصل بیستم؛ بیان شده است.

۲- ادغام شفوی: وقتیکه بعد از حرف «میم» ساکن؛ حرف «میم» متحرک در «یک کلمه و یا در دو کلمه» واقع گردد، در آن وقت، حرف «میم متحرک» مشدد شده و قاعده بنام «ادغام شفوی» صورت میگیرد.

مثالاً: سوره ۲: البقرة، ایه مبارکه ۱۰: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

(۱۰)».

توضیح: در «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»: چون بعد از حرف «میم ساکن»، حرف «میم متحرک»، البته در «دو کلمه» واقع شده، بناءً «میم ساکن» در «میم متحرک» مشدد شده و صدای «غنه» به اندازه یک ثانیه کش داده شده که این قاعده را بنام «قاعده ادغام لبی» و یا ادغام «متمااثلین» نیز میگویند.

۳- اخفاء شفوی: وقتیکه بعد از حرف «میم» ساکن، حرف «با» متحرک واقع گردد در آن صورت حرف «میم» در مخرج لبها «شفتان» بشکل نرم تر تلفظ و غنه میشود، که این قاعده را بنام «اخفاء شفوی» یاد مینمایند.

مثالاً: سوره ۱۰۵: الفیل، ایه ۴: تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ من سجیل (۴).

توضیح: در «تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ»: چون حرف «میم» ساکن بعد از حرف «با» قرار گرفته در این حالت باید «اخفاء شفوی» صورت گیرد. بناءً حرف «میم» باید

به بشکل «تلفظ و غنّه» شود که لب‌ها به یک دیگر نمی‌چسبد بلکه به مقدار خیلی کم باز میماند.

همچنان حرف «میم» تلفظ نمی‌شود بلکه تنها صدای «غنّه» همراه با مقداری مکث بر روی آن اداء می‌شود و بعداً حرف «با» تلفظ می‌گردد.

۴- اظهار شفوي: وقتیکه بعد از حرف «میم» ساکن، به عوض حرف «میم» و با «» دیگر حروف الفبای قرار گیرد، در آن صورت حرف «میم» بشکل طبیعی بدون «کش کردن و غنّه کردن» تلفظ می‌گردد، که این قاعده را «اظهار شفوي» می‌گویند.

مثالاً: در سوره ۱: الفاتحه، ايه مباركه ۷: صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

توضیح: در «أنْعَمْتَ» چون بعد از حرف «میم ساکن» حروف «میم و با» نیامده و حرف «تا» واقع شده، بناءً باید در این حالت حرف «میم» به شکل طبیعی از مخرج خود تلفظ یا اظهار گردد که آن را قاعده اظهار «شفوي» نیز می‌گویند.

- هرگاه بعد از حرف میم ساکن، خود حرف «میم» تکرار شود، حرف «میم» اول، خوانده نخواهد شد و «میم» دوم با شدت تلفظ می‌شود که به آن ادغام حرف «میم» می‌گویند. مثالاً: «كَمِ مِنْ» بشكل «كمَنْ» نوشته و تلفظ می‌شود.

- در قاعده اقلاب یا «قلب به میم» بیان شد که: اگر بعد از حرف «نون» ساکن و یا تنوین، حرف «با» قرار گیرد، آن وقت حرف «با» به حرف «میم» تبدیل شده و قاعده اقلاب صورت می‌گیرد. اما هر وقتیکه بعد از حرف «میم» ساکن، حرف «ب» واقع شد در آن وقت به قاعده اخفاء تبدیل می‌شود.

معلومات اضافي در رابطه به احکام «میم ساکن و مشدد»: «۱».

**قاعده ۱:** میم اگر مشدد باشد در آن «غنّه» ضروری است مانند: «لَمَا» و در این حالت آن را حرف «غنّه» می‌نامند، «غنّه» یعنی بردن آواز در بینی.

**قاعده ۲:** مقدار غنّه یک الف است و آسان ترین طریقه دانستن مقدار الف این است که انگشت بسته ای را باز کنند، یا انگشت باز را بینند و این فقط یک تخمین است و در اصل، معیار شناخت آن بستگی دارد به آموختن از استاد با تجربه.

**قاعده ۳ ادغام صغیر مثیلین:** میم اگر ساکن باشد، باید دید که حرف بعد از آن چیست؟ اگر بعد از آن میم دیگری باشد، ادغام می‌شود یعنی هردو میم یکی شده و مانند یک میم مشدد در آنها غنّه می‌شود مانند: «إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ» این را «ادغام صغیر مثیلین» می‌گویند.

- اخفای شفوی : هرگاه بعد از میم ساکن حرف «ب» باشد در آن صورت به همراه غنّه اخفاء هم می شود و معنی این اخفاء آن است که هنگام ادای آن ، قسمت خشکی هر دولب را با کمال نرمی باهم وصل کرده صفت غنّه را به قدر یک الف امتداد داده از خیشوم ادا کند ، سپس پیش از جدا شدن لبها قسمت تری هر دولب را با سختی وصل کرده حرف «ب» اداء شود.

مانند : «**مَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ**» و این را « اخفای شفوی » می نامند .

هرگاه بعد از میم ساکن غیر از «میم و با» حرفی دیگری بباید ، میم اظهار می شود ، یعنی از مخرج خود بدون غنّه ظاهر کرده می شود .

مانند : «انعمت» و این را « اظهار شفوی » مینامند.

---

۱- کتاب « جمال القرآن » : محترم مولانا اشرف علی تھانوی « رح ». .

## فصل بیستم

### غَنَّه

غَنَّه : غَنَّه در لغت « صوت یا آوازی » است که بعد از بستن لب ها؛ از مخرج خیشوم « بینی » بدون دخالت زبان، از آن بیرون میشود و صفت آن دو حرف الفبای زبان عربی هریک : « میم و نون » در حالت ساکن و یا متحرک میباشد.

علمای و استادان علم تجوید؛ در مورد « خیشوم و غَنَّه » چنین فرموده اند:

۱- خشیوم در لغت : « **هُوَ خَرْقُ الْمَنْجَذِبِ مِنْ أَقْصَى الْأَنْفِ** » :

ترجمه : « خشیوم یک رگ باریک است که در قسمت آخری بینی قرار دارد ». البته از خشیوم « غَنَّه » خارج میگردد.

۲- غَنَّه در لغت : « **هِيَ صَوْتٌ أَغْنَ شَبِيهٍ بِصَوْتِ الْغَزَالِهِ إِذَا ضَاعَ وَلَدُهَا مَجْهُورٌ لَطِيفٌ لَا عَمَلٌ لِلسانٍ فِيهَا** ».

ترجمه : « غَنَّه یک صدای گنگ باریک است که مشابهت به صدای آهو دارد. البته آین نوع صدا باریک در وقتی است که آهو چوچه خود را از دست میدهد و همچنان قابل تذکر است که « غَنَّه » از خشیوم « بینی » خارج شده و زبان در آن دخالت ندارد.

- **غَنَّه** : یعنی بردن آواز در بینی و یا صدایی خیشوم را غَنَّه میگویند، که بعد از بستن لبها در قاعده ادغام یا اخفا، از خیشوم « بینی » خارج میشود. ضمناً غَنَّه از جمله صفات است که در آن زبان را دخالت نیست.

البته در احکام حرف « میم » هر زمانیکه بالای حرف « میم »؛ علامت « مشدد یا تشدید » قرار گرفت، در آن صورت حرف « میم » غَنَّه شده و صدای آن از مجرای بینی خارج شده و به اندازه یک ثانیه کش داده میشود که این قاعده را بنام « غَنَّه » یاد مینمایند. مثلاً :

- در سوره ۱۱۱: المسد ایه ۴ : « **وَأَمْرَأَتُهُ حَمَالَةُ الْحَطَبِ (۴)** ».

بالای حرف میم « حَمَالَةً »: علامت « تشدید یا مشدد » با حرکت فتحه « زیر » قرار گرفته و نشان دهنده دو « میم » بوده که اولی ساکن و دومی حرکت زیر دارد. در این حالت : قاعده آن است که باید حرف « میم » اول که ساکن است، به کمک حرکت حرف ما قبل یعنی فتحه « زیر » حرف « حا » خوانده شده و صدای آن در مخرج خیشوم « بینی » غَنَّه؛ مخفی شده و به اندازه یک ثانیه کش داده شود و بعداً با حرف « میم » دوم، که حرکت زیر « فتحه » دارد، تلفظ گردد.

- حروف « غَنَّه »: دو حرف « میم و نون » حروفی « غَنَّه » هستند که صدای آن در حالت « قاعده ادغام یا قاعده اخفا » از انتهای خیشوم « بینی » خارج میشود که

عبارت از: « میم ساکن ، نون ساکن و تنوین » بوده و صفت « غّه » در حروف متذکره وقتی شدید تر هستند که مشدد « تشدید » داشته باشند.

باید خاطر نشان ساخت که : اگر بعد از « نون ساکن و تنوین » یکی از حروف حلقی « ئ - ئ - ح - خ - ع - غ » بباید، « غّه » نمیشود.

- **اشکال غّه** : غّه به دو شکل « غّه انى و غّه زمانى » است که فقط در « میم و نون مشدد و نون اخفا » وجود دارد و به ترتیب ذیل است:

۱- **غّه انى** : غّه انى عبارت از آن « غّه » است که در هر « نون و میم » ساکن و متحرک ؛ بشکل طبیعی در آن موجود میباشد و البته مقدار خاص نداشته وغیر اختیاری و بدون خواست ، قصد و یا اراده ، اداء میگردد و نیازی به کشش اضافه هم نیست که به همین خاطر آن را بنام « غّه طبیعی » یاد مینمایند. **مثال** :

- سوره ۸: الأنفال ، ایه مبارکه ۴۰: **وَإِنْ تَوَلُّوْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَأُكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنَعْمَ النَّصِيرُ** {۴۰}

در کلمه : « **نِعْمَ الْمَوْلَى** » و « **وَنَعْمَ النَّصِيرُ** » دو حرف « نون و میم » به شکل طبیعی وجود دارد و صدا از مخرج خشیوم « آخرینی » بدون « غّه و کشش »؛ تلفظ میشود و همچنان مثال بعدی در سوره ۱۰۵: الفیل ، ایه ۴ : **تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِيلٍ** {۴} .

۲- **غّه زمانی « غّه عارضی »**: غّه زمانی عبارت از آن غّه است که فقط در « نون و میم » که « مشدد » شده باشد یعنی « مشدد ، اخفا و یا ادغام » باشد . و به این خاطر آن را بنام « غّه عارضی » نیز یاد مینمایند . همچنان :

- **غّه زمانی** : مقدار خاص دارد ، کشش آن به اندازه « یک الف » است ، با خواست و قصد انجام میگردد و اختیاری نیست؛ البته اگر خواستید « غّه » را انجام دهید و اگر خواستید « غّه » را انجام ، نمیدهید . **مثال** :

- در سوره ۳۴: سبأ ایه مبارکه ۲۵: **قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ** {۲۵} .

- در سوره ۲: البقرة ، ایه مبارکه ۶: **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ** {۶} :

**توضیح** : در « **إِنَّ** » نون علامت مشدد دارد که اصل آن « **إِنَّ** » میباشد : البته نون اولی « ساکن » و نون دومی متحرک و علامت فتحه « زبر » است. به اساس قاعده باید نون ساکن با کمک حرکت ماقبل که حرکت کسره « زیر » حرف « الف » است ، تلفظ شده و بعد از یک الف « غّه » کردن ؛ نون دوم باید به حرف « لام » « ساکن کمک کرده و تلفظ شود. البته این غّه را بنام غّه « صفتی ، عارضی و یا زمانی » نیز یاد مینمایند .

**باید خاطر نشان ساخت که:** علمای تجوید ، غنّه را در شش حروف یرملون هریک : «یا - راء - میم - لام - واو - نون » به ترتیب ذیل توضیح کردن اند.

- در چهار حروف یرملون هریک: «یا - میم - واو - نون » ادغام با غنّه بوده و صدای آن از بینی «خشیوم» خارج شده و با کشش تلفظ میشود .

**مثال:** «یا»: «من یؤمن - قوم یؤمنون» . «میم»: «من مال - درجاتِ مَنَّ اللَّهُ». «نون»: من لم يحكم - قوم لا يفقهون» . «واو»: «من ورق - بناءً وَ أَنْزَلَ» .

- در دو حروف مطابقی یرملون هریک: «راء - لام» ادغام بدون غنّه بوده و صدا از بینی «خشیوم» خارج نمیشود و کشش هم ندارد .

**مثال:** ل «لام»: «فَانَ لَمْ - سلام لَكَ» . ر «راء»: «من رَّزَقَ - أَخْذَةً رَّابِيَةً» .

## فصل بیست و یکم

### قاعده نون قطñی

نون قطñی : قطñی در لغت عبارت از کمری ، واقع در کمر و یا هم در مهره پشت ؛ را گویند و در علم تجوید عبارت است : هر وقتیکه تنوین « ن » بالای یک حرف ، قرار گیرد و کلمه بعدی به حرف الف « همزه وصل » آغاز گردد، در آین صورت تنوین همان حرف ؛ به حرکت « **فتحه، كسره و ضمه** » تبدیل شده و همچنان برای « همزه وصل »، همیشه حرف نون با حرکت **كسره** « ن » داده شده و بعداً به حرف بعدی وصل و تلفظ میشود، که این قاعده را « نون قطñی » یاد مینمایند.

مثال و توضیح :

۱ - سوره ۲ : البقرة ، ایه مبارکه ۱۸۰ :  
**« كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)**

- توضیح :

چون بالای حرف « راء »، کلمه « خَيْرًا »؛ تنوین نون یعنی دو فتحه « زبر » واقع شده که اصلاً بشکل ذیل : « خَيْرَنَا » که حرف « راء » زبر و حرف نون ساکن است ، میباشد. از جانب هم بعد از تنوین ؛ در ابتدآ کلمه « الْوَصِيَّةَ » حرف الف یا « همزه وصل » قرار دارد ، در این حالت باید قاعده « نون قطñی » به شکل صورت گیرد.

- تنوین حرف راء « خَيْرًا » تبدیل به حرکت « **فتحه** » میشود و همزه وصل « الْوَصِيَّةَ » تبدیل به حرف « ن » ؛ البته حرف « نون با حرکت **كسره** » شده و متعاقباً به حرف « لام » تلفظ میشود.

مثلاً : اصل جمله ایه « خَيْرًا الْوَصِيَّةَ » است که در قاعده « نون قطñی » با تبدیل کردن ، تنوین به حرکت **فتحه** « زبر » و تبدیل کردن حرف الف به حرف « ن » با حرکت **كسره** با حرف « لام » ؛ « خَيْرًا الْوَصِيَّةَ » تلفظ و یا خوانده میشود.

- سوره ۱۹ : مریم ، ایه مبارکه ۷ : يَا زَكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامَ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ سَمِيًّا (۷).

درکلمه « بِغُلَامَ اسْمُهُ » حرف میم با تنوین و بعداً حرف همزه و حرف سین ساکن قرار دارد . به اساس قاعده « نون قطñی » باید حرف میم و همزه به « من » تبدیل و بشکل ذیل : « بِغُلَامِنِ سَمُّهُ » تلفظ شود .

یادداشت : در یکتعداد مصف قران کریم ؛ علامت حرف « ن » که نمایندگی از قاعده « نون قطñی » مینماید ، قبلانشانی شده است.

## فصل بیست و دوم

# احکام حرف « راء »

اگر بالای حرف « راء » حرکت « فَحَّهُ و یا ضَمَّهُ » قرار گیرد؛ در آن صورت حرف راء « پر » یعنی « تفحیم » و اگر حرکت « كَسْرَه » داشت، در آن حالت حرف راء « نازک » یعنی « ترقیق » تلفظ میباشد.

قابل تذکر است که : در رابطه طرز تلفظ حرف « راء » قواعد و شرایط از طرف علما و استادان علم تجوید توضیح و تشریح شده ، که در مورد مختصرآ نگاشته میشود. محترم مولانا اشرف علی تھانوی « رح » در « جمال القرآن » چنین نوشته است: « ۱ ». .

**قاعده ۱ :** اگر حرف « راء » حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را با « تفحیم » یعنی پر حجم می خوانند مانند: ربّک - ربّتا و اگر حرکت زیر داشته باشد آن را با « ترقیق » یعنی باریک می خوانند ، مانند : رجال.

نکته : « راء » مشدد نیز یک « راء » محسوب می شود، لذا؛ حرکت خود او را اعتبار کرده پر یا بارک می خوانند ، ولی ناگاه آن را دو « راء » به شمار می آورند. اولی را ساکن و دومی را متحرک می پیندارند و این اشتباه است .

**قاعده ۲ :** اگر حرف « راء » ساکن باشد ، حرف ماقبلش را نگاه می کنند که دارای چه حرکت است، اگر حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را پر می خوانند، مانند : « بَرَقُ - يُرْزِقُون » و اگر حرکت زیر داشته باشد باریک خوانده می شود مانند : « انْذِرُهِم » اما ؛ باریک خواندن « راء » در این صورت سه شرط دارد.

**قاعده ۳ :** اگر حروف ما قبل « راء » ساکن نیز باشد ( و این در حالت وقف ممکن است ، چنانکه از مثالها واضح می شود ) انگاه ماقبل آن حرف را باید نگاه کرد ، اگر حرکت زبر یا پیش دارد ، « راء » پر خوانده می شود مانند : « لَيْلَةُ الْقَدْرِ - بَكْمُ الْعَسْرِ ». .

در این دو مثال « راء » ساکن و حرف ماقبلش « دال و سین » هم ساکن هستند ، و قاف صدای زبر و عین صدای پیش دارد ، لذا حرف « راء » در این دو کلمه پر خوانده می شود .

و اگر آن حرف ماقبل ، صدای زیر داشته باشد ، « راء » باریک خوانده می شود . مانند : « ذِي الذِّكْر » در این مثال حرف « راء » ساکن و کاف هر دو ساکن هستند و حرف « ذال » زیر دارد ، لذا « راء » باریک خوانده می شود.

نکته : اگر حروف ساکنی که قبل از « راء » قرار دارد ، حرف « یاء » باشد در آن صورت ، حرف قبل از « یاء » هر نوع حرکتی داشته باشد ، تاثیری نمی کند و در هر حال « راء » باریک خوانده می شود، مانند: « خَيْرٌ - قَدِيرٌ ». .

**قاعدہ ۴:** در قرآن مجید ، یک مورد بعد از « راء » ، « اماله » خوانده می شود، در آن جا حرکت « راء » کسره تصور کرده می شود و « راء » باریک خوانده می شود و آن یک مورد عبارت است از : « بسم الله مجریها » این « راء » مانند رای کلمه « ریحان » خوانده می شود و این گونه خواندن را « اماله » می نامند و در فارسی « یای مجهول » می گویند.

**قاعدہ ۵:** « راء » هرگاه به سبب وقف ، ساکن شود بدیهی است که برابر قاعده شماره دو و سه ، به حرف ما قبلش و گاهی به ما قبل ما قبلش نگاه کرده آن را باریک یا پرمی خوانند ، اما باید به خاطر داشت که زمانی حرف ما قبل ، یا ما قبل ما قبل « راء » مورد توجه قرار می گیرد که در حالت وقف « راء » را به طور کامل ساکن بخوانند ، چنانچه روش عمومی وقف است.

ولی، وقف روش دیگری نیز دارد و آن اینکه حرفی که وقف بر آن صورت می گیرد کلاً ساکن کرده نمی شود ، بلکه حرکت آن به صورت خیلی ضعیف اداء می گردد و این نوع وقف را « روم » می گویند و وقف « روم » فقط بر حرکت زیر و پیش اجرا می شود.

باب تفحیم و ترقیق یکی از کلید های مهم زبان عربی است که « پرخواندن و نازک خواندن » حرف را بیان مینماید و همچنان از حرکت یک حرف معروف میشود که اگر حرکت « فتحه و یا ضمه » داشت آن حرف تفحیم « پر » و اگر « کسره » داشته آن حرف ترقیق « نازک » تلفظ میشود.

تفحیم: تفحیم از نظر لغوی بمعنی « بزرگ داشت » است و در علم تجوید عبارت از « درشت و پر حجم » تلفظ کردن یک حرف میباشد، البته به طوریکه دهان از صدای آن « پر » شود.

ترقیق: ترقیق از نظر لغوی بمعنی « رقیق بودن » بودن است و در علم تجوید عبارت از « نازک » تلفظ کردن یک حرف میباشد. « ۱ »

### شرایط تفحیم « راء » « فتحه و یا ضمه »

- اگر « راء » فتحه و یا ضمه داشته باشد؛ در آن صورت حرف تفحیم « پر » خوانده میشود.

- اگر « راء » ساکن باشد؛ ما قبل حرکت فتحه و یا ضمه داشته باشد ، در آن صورت حرف تفحیم « پر » خوانده میشود.

---

۱- کتاب « جمال القرآن » ، صفحه « ۵۷ » نوشه : محترم مولانا اشرف علی تھانوی « رح ».

- اگر «راء» ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ماقبل آن فتحه و یا ضمه داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- «راء» ساکن باشد؛ ما قبل آن الف «مدی و واو مدی» قرار داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- «راء» ساکن باشد ماقبل آن «همزه وصل» قرار داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

- اگر «راء» ساکن باشد ، ما بعد آن یکی از هفت حرف استعلا: «خ - ص - ض - غ - ط - ق - ظ» در یک کلمه بباید ، در آن صورت حرف تفخیم «پر» خوانده میشود.

### شرایط ترقیق «راء» «کسره»

۱- اگر «راء» کسره داشته باشد؛ در آن صورت حرف ترقیق «نازک» خوانده میشود.

۲- اگر «راء» ساکن باشد؛ ما قبل کسره داشته باشد؛ در آن صورت حرف ترقیق «نازک» خوانده میشود.

۳- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ماقبل آن کسره داشته باشد ، در آن صورت حرف ترقیق «نازک» خوانده میشود.

۴- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ما قبل آن حرف «یاء» ساکن باشد، در آن صورت حرف ترقیق «نازک» خوانده میشود.

۵- اگر حرف «راء» ساکن باشد؛ ماقبل آن «یای مدی» قرار داشته باشد، در آن صورت حرف ترقیق «نازک» خوانده میشود.

در زبان عربی هشت حرف «خاء، صاد، ضاد، طاء، ظاء، غين، قاف و راء» که روی آنها «الف» قرار گیرد ، دهن به طرف بالا باز شده پر خوانده میشود و در متنابقی حروف ، دهن به سمت بغل باز شده و باریک تلفظ میشود .

قابل تذکر است که: حرف «راء» بشكل پر «تفخیم» و باریک «ترقیق»؛ به قواعد ذیل تلفظ میشود:

- تفخیم «پر حجم و یا درشت»: اگر بالای حرف «راء» چهار حرکت «فتحه» «زبر»، ضمه «پیش»، الف و واو مدی «قرار گیرد ، در آن صورت حرف «راء» پر «تفخیم» تلفظ میشود . مثلاً: «رَزَقْنَا، مسْرُورَا».

- ترقیق «باریک یا رقيق»: اگر بالای حرف « Rae » دو حرکت « کسزه » « زیر » و یا مدی « قرار گیرد ، در آن صورت حرف « Rae » باریک « ترقیق » تلفظ میشود .  
مثالاً : « **الرِّجَالُ ، فِرْعَوْن** »

باید خاطر نشان ساخت که :

- در صورتیکه حرف « Rae » ساکن باشد ، در آن صورت به حرف ماقبل باید مراجعه شود و به کمک حرکت آن ، حرف « Rae » تلفظ شود.

- در صورتیکه حرف ماقبل « دوم » هم ساکن باشد در آن صورت به حرف ماقبل ، ماقبل « سوم » مراجعه شود و با استفاده از حرکت آن حرف « Rae » تلفظ گردد.

بگونه مثال در کلمه « **والعَصْرُ** »: در این کلمه چون حرف « Rae » ساکن است ، باید بخاطر تلفظ آن از حرف ماقبل « دوم » که حرف « صاد » است ، کمک گرفته شود . چون حرف « صاد » هم ساکن است ، پس ؛ به اساس قواعد اجازه است تا از حرکت حرف ماقبل از ماقبل « سوم » که حرف « عین » است و حرکت « فتحه » دارد ، کمک گرفته شود؛ که در این صورت به اساس حرکت فتحه « زیر »، حرف « Rae » باید پر « تفخیم » تلفظ یا خوانده شود.

## فصل بیست و سوم

### احکام حرف - ل - «لام»

محل خروج حرف «ل» کناره های قسمت جلوی زبان و لثه های ثانیای علیا میباشد ، که در وقت تلفظ حرف «لام» سر زبان به لثه دندان های نیش و پیشین بالا به آرامی برخورد می کند و راه عبور هوا را از این ناحیه مسدود می سازد.

- اگر قبل از لفظ جلاله الله ، حرکت «فتحه و ضمه» بباید ، دهان بطرف بالا باز شده و پرخوانده میشود ، و اگر حرکت «كسره» بباید در آن صورت دهن به سمت چپ و راست باز شده و «نازک» خوانده میشود.

- هرگاه در مقابل حرف لام «ل» در لفظ جلاله الله ، حرکت فتحه «زبر» و یا حرکت ضمه «پیش» قرار داشته باشد ، در آن صورت لفظ جلاله «الله» ، درشت پر حجم یعنی «تفخیم» تلفظ و یا خوانده می شود .

بگونه مثال در سوره ۲ : البقرة ایه «۲۵۵» که بنام «آیت الكرسی شریف» میباشد:

اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ وَلَا تَوْمَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عَنْهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵)

- هرگاه در مقابل حرف لام «ل» در کلمه جلاله «الله» حرکت کسره «زیر» قرار داشته باشد ، در آن صورت لفظ جلاله «الله» ، نازک یا «ترقيق» تلفظ می شود.

«بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، بِاللَّهِ، رَسُولُ اللَّهِ»

همچنان باید خاطرنشان ساخت که: قاعدة حرف «لام» بدون کلمه جلاله «الله» به دو شکل است:

۱ - قاعدة ادغام حرف ل «لام» در حروف شمسی:

هرگاه بعد از حرف «لام» یکی از حروف شمسی که عبارتاً از: «ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن» میباشد ، واقع شود ، در آن صورت حرف «لام» در آن ادغام شده و خوانده نمیشود . مثلاً «الشَّمْسُ ، مِنَ النَّاسِ ، الْرَّحْمَنُ».

۲ - قاعدة اظهار حرف «لام» در حروف قمری:

هرگاه بعد از حرف «لام» یکی از حروف قمری که عبارتاً از: «الف ، ب ، ج ، ح ، خ ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، م ، و ، ه ، ی» میباشد ، واقع شود ، در آن صورت حرف «لام» در آن اظهار شده و تلفظ میشود . مثلاً: «وَالْقَمَرُ، وَالْبَنُونَ، فِي الْأَرْضِ ، لَهُ الْمَلْكُ ، لَهُ الْحَمْدُ».

## فصل بیست و چهارم

### معلومات عمومی و تعریفات

- استعلا «مستعلیه»: در لغت به معنی بلند شدن است و در اصطلاح تجوید، به وقت ادا کردن حروف ، از بیخ زبان به طرف کام بالا ، بلند شده و «پُر» خوانده میشوند. حروف مستعلیه یا استعلا «هفت» حرف است که در مجموعه «خُص - ضَغَطٌ - قَظٌ» جمع شده عبارتاً از: «خ - ص - ض - غ - ط - ق - ظ» می باشد.
- استفال: ضد «استعلا» است و در لغت به معنی پایین آمدن و طلب پستی و در اصطلاح تجوید عبارت است از به پایین آمدن و دورشدن ریشه زبان از کام بالا میباشد.
- تفحیم: در اصطلاح علم تجوید درشت و غلیظ اداء کردن حرف را طوری که دهن از صدای آن پر شود ، «تفحیم» میگوید. البته حروف پر «خ - ص - ض - ط - ظ - غ» میباشد.
- ترقیق: ترقیق در لغت «رقیق کردن و یا از غلظت چیزی کاستن» را گویند که در اصطلاح علم تجوید ؛ نازک، رقیق و کم حجم تلفظ کردن حرف را «ترقیق» میگویند.
- تکریر: تکریر در اصطلاح علم تجوید «لرزه و برگشت مکرر سطح زبان» برای تکرار حرف «راء» را تکریر میگویند و یا زمانیکه زبان در وقت تلفظ کردن حرف «راء» ، لرزش پیدا میکند آن را صفت تکریر میگویند.
- ترسیل: یعنی خواندن حروف به طریقه هموار و آرمیده ؛ ترتیل و تائی در قرائت میباشد.
- تبیین: یعنی هویدا شدن و یا خواندن حروف بشکل صاف و درست است .
- تحسین: یعنی نیکو کردن ، آراستن و یا زیبا ساختن است.
- توقیر: یعنی به شکوه داشتن و یا با خشوع ، خضوع و وقار خواندن است.
- ترعید: لرزش صدا و یا شور و تغیر دادن صدا در مرد و حرکت هنگام تلاوت قرآن کریم میباشد.
- ترقیص: بلند کردن صدا «آواز» اگر از حد تجوید بیرون باشد و یا خواندن قران کریم به شبیه آوازهایکه مناسب به رقص باشد.

- تعجیل: عجله و شتاب و یا تیزی و تعجیل کردن که حرف در وقت تلاوت قرآن کریم فهمیده نشود.

- تعویق: به تأخیر انداختن کاری و یا درنگی و تأخیر و توقف کردن میباشد.

- تطویل: معنی دراز کردن است و یا از حد اضافه طول دادن و دراز کردن حرکات و مدها میباشد.

- تمضیع: یعنی حروف را در دهان خود جویده خواندن که سبب آن حروف بشکل دقیق ادا یا تلفظ نشود و یا تلفظ نه نمودن قواعد تجوید را گویند.  
مثالاً: در جای وقف وصل نمودن و بر عکس آن.

- حروف تهجی: مجموع حروف الفبای زبان عربی را حروف تهجی میگویند.

- رعایت حق: فصیح خوانی یا روان خوانی قرآن است و یا حق حرف کیفیتی است که قوام حرف به آن است و آن عبارت از مخرج حرف و صفاتی است که در نهاد حرف وجود دارد.

- رخوت: رخوت در لغت بمعنی «نرمی و سستی» را گویند و در اصلاح علم تجوید، جریان یافتن صوت در مخرج حرف یا آدامه صوت و آواز را در هنگام تلفظ «رخوت» گویند.

- شدت: شدت بمعنی «سختی و قوت» است که در اصطلاح علم تجوید، قطع صوت در مخرج حرف یا حبس و قید کردن صوت و ادامه ندادن آن در هنگام تلفظ، میباشد.

- صفیر: بمعنی سوت کشیدن است و در زبان عربی سه حرف هر کدام «ص - س - ز»، زمانیکه تلفظ شود، صدای شبیه پرنده از دهن خارج میشود که به آن صدا «صفیر» میگویند.

- قصر: بمعنی کوتاه کردن است. مثلاً: تلفظ و یا اداء کردن حروف مدي از حالت صدای کشده به شکل طبیعی و معمولی میباشد. مانند: «أُوذِنَا».

- وتبه: بمعنی یک بار جستن و یا قبل از تکمیل حروف قلبی؛ خواندن حروف.

- لحن: بمعنی آواز، اهنگ و خطای کردن را میگویند. یعنی غلط و یا اشتباه خواندن آیات قرآن مجید و یا تلفظ کردن حروف؛ بدون رعایت قوانین تجوید را «لحن» میگویند.

- لحن جلی: اشتباه واضح و آشکارا است که معنی آیه را تغییر داده و یا ساختار کلمه را مختل می‌سازد.

- لحن خفی: اشتباه پنهانی و خورد است که معنی کلمه را تغییر نمی‌دهد، لیکن حسن و زیبایی آن را از بین می‌برد.

- مستحق حروف: قواعد و احکام قرآن و یا به کیفیت صوتی و آوایی گفته می‌شود که در ترکیب حروف و پیوند آنها ایجاد می‌شود.

- مد : بمعنی کشیدن ، دراز کردن و یا طولانی کردن است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از کشش صورت «آواز» میباشد.  
چنانچه در روایت اسلامی گفته شده که : مد ها دیجاج «پارچه ابریشمی» قرآن کریم هستند ، همانگونه که پارچه ابریشم برای زیبایی و آراستگی به تن میکنند ، به همان شکل مد و کشش صوت ؛ موجب آرایش و زیبایی قرائت قرآن کریم میشود.

مد : فقط بالای «سه» حرف الفبای زبان عربی : «ا، و، ی» قرار میگرد و با صدای کشیده تلفظ میشود که بنام «وای» و یا «حرف علت» نیز یاد میشوند.

مد : عبارت است از امتداد صوت در حروف مدي بیش از میزان طبیعی بوده که به اندازه حداقل سه «الف» و یا بستن سه انگشت کشیده و یا تلفظ میشود.  
ماتند: «جاء» میباشد.

- همهمه: بمعنی غوغاء ، جنجال و یا سرو صدای درهم و برهم را که فهمیده نشود ، میگویند و یا نباید مخفف را مشدد و مشدد را مخفف خواند.

- همس: بمعنی آواز خفی یا نرم را میگویند و یا هنگام تلفظ این حروف آواز در مخرج با چنان ضعیفی قرار می‌گیرد که جاری داشتن نفس ممکن باشد و در آواز یک نوع پستی وجود داشته باشد.

## منابع و مأخذ های عمدہ

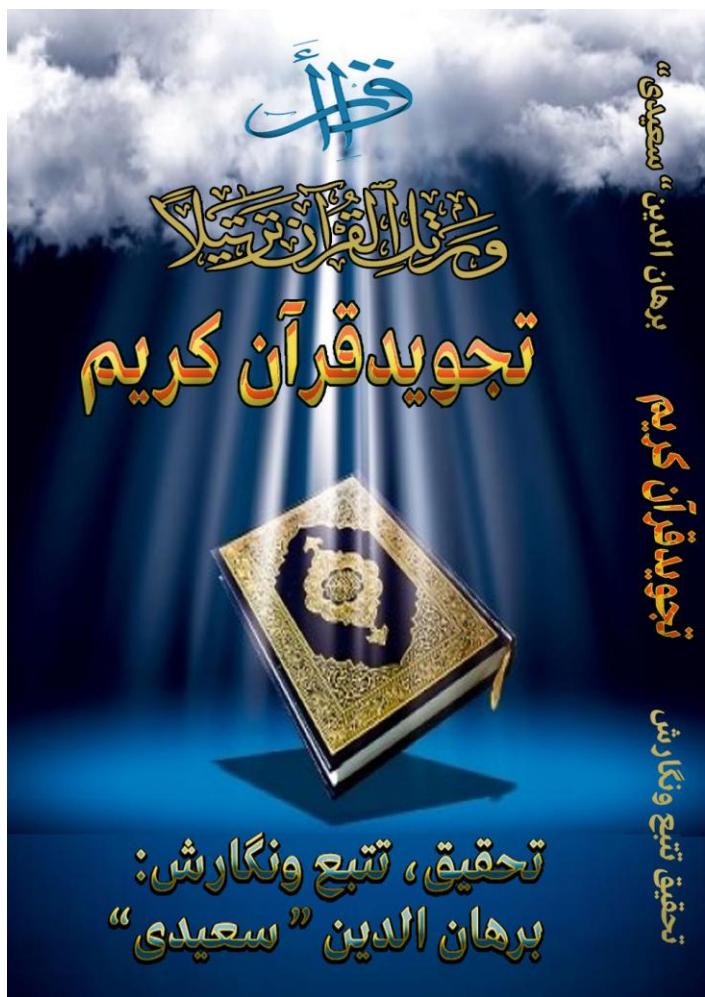
- قرآن کریم: با ترجمة دری - فارسی.
- کتاب جمال القرآن: تالیف مولانا اشرف علی تهانوی « رح » ، ترجمه دری: محترم مولوی عبدالرحمن « سربازی » ، سال نشر « ۱۳۷۸ هجری شمسی ».
- خلاصه تجوید: محترم محمد احسان « صیقل » سال ۱۳۸۵ هجری شمسی.
- تجوید اسان: داکتر ابد عاصم « عبدالعزیز » عبدالفتاح قاری. مترجم: محترم عبدالکریم « محمدی ».
- آموزش تجوید قرآن: تهیه و ترتیب کننده: محترم سلیمان شاه « صوفی زاده ».
- تجوید صنف هفتم: « برای مدارس دینی افغانستان » ، مؤلف: محترم میر رفیع الله « منیب » سال چاپ: « ۱۳۹۸ هجری شمسی » ، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.
- کتاب تعلیم قرآن کریم : برای « صنف هشتم » مؤلف: محترم استاد فضل الله « نیازی » و محترم قاری سید محمد اغا « هاشمی » ، چاپ سال « ۱۳۹۶ هجری شمسی » وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.
- کتاب « حق تلاوت »: نوشته استاد قاری نصرت الله « صاحبی » ، چاپ قوس سال « ۱۳۹۸ ».
- کتاب « آموزش تجوید قرآن »: مؤلف محترم استاد موسوی « بله ».
- آموزش تجوید قرآن: گرد آوری و تنظیم ، محترم علی « لسانی » .
- کتاب « تجوید القرآن »: نوشته ذکرالله « شیرزی » راسب، سال چاپ « ۱۳۹۱ هجری شمسی.
- قاعده نورانی: رنگین تجوید ، انتشارات و مطبعه یوسف.

یادداشت من « مؤلف »:

- از دروس علمای بزرگوارو استادان معظم « تجوید قرآن کریم » هریک:
- دورس « برکت التجوید » محترم شیخ القراء استاد برکت الله « سلیم ».

- دروس «آموزش روحانی قرآن کریم» محترم استاد مهد نواز «صیقل».
- دروس «آموزش روحانی قرآن کریم» محترم استاد فضل الحق «سلیمانی».
- دروس «آموزش روحانی قرآن کریم» محترم استاد عبدالرحمن «فاتح».
- دروس «اموزش تجوید» محترم استاد قاری امان الله «احمدی».
- دروس «آموزش تجوید قرآن کریم» محترم استاد قاری نصرت الله «صاحبی».
- دروس «آموزش تجوید قرآن» محترم استاد موسوی «بلده».
- دروس «آموزش تجوید قرآن» محترم استاد قاری محمد یوسف «ارکانی».
- دروس «آموزش تجوید قرآن» محترم استاد عبدالله «شمس».
- صفحات اینترنت وبخش گوکل: بخاطر معنی، توضیح و تشریح کلمات و لغات؛ به زبان دری.





**بیان مختصر در مورد مؤلف**

برهان الدین «سعیدی» فرزند مولانا داکتر محمد سعید «سعید افغانی» در سال «۱۹۶۲م» در شهر کابل، در یک فامیل روحانی و فرهنگی چشم به جهان گشوده است.

برهان الدین «سعیدی» مدیر مسؤول ارگان نشری اسلام و تفاهم مولانا سعید افغانی و عضوی شورای علمی مرکز مطالعات استراتژیک افغان است.

برهان الدین «سعیدی» در رابطه به «کتاب الله ، احادیث، فقه، تجوید، تصوف و عرفان » تحقیق، پژوهش، تتبیع و نگارش انجام داده که در این عرصه چندین « مضامین ، مقالات و تحقیقات » شان به شمول دو رساله تحت عنوان: صوفی کیست؟ و گنجینه ها « مناجات » به زیور چاپ رسیده اند.

تحقیق دیگر موصوف رساله بنام « تجوید قرآن الکریم » است که به زبان ساده و عام فهم تتبیع و نگارش یافته است، که اینک در اختیار شما قرار دارد.

بدینوسیله از خدمات خیرخواهانه، علمی و اسلامی، محترم برهان الدین «سعیدی» ستایش و تقدیر مبنایم و از بارگاه رب العزت، برایش صحت ، طول عمر نوام با سعادت و خیر و برکت استدعا داریم.

شورای علمی مرکز مطالعات استراتژیک افغان

**Tajwíd Qura'n Karím**  
**By: Burhanoddin Saidi**

**Tajwíd Qura'n Karím**

**By: Burhanoddin Saidi**

[b-saidi@gmx.de](mailto:b-saidi@gmx.de)

**April 2021, Germany**